


Urban Poverty as Social Exclusion from the Labor Market: Strategies and Consequences (Case Study: Poor Rural Immigrants of Tehran City)

Abdolrasoul Hashemi * 

Ph.D. in Sociology of Islamic Azad University,
Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Mostafa Azkia 

Professor of Sociology, University of Tehran,
Tehran, Iran.

Seyed Yaghoub Mousavi 

Associate Professor in Urban Sociology, Alzahra
University, Tehran, Iran.

Introduction

Today, urban poverty and inequality are the main problems of cities, especially in developing countries. The speed of urbanization has created many problems and challenges. Such as the growing demand for housing, infrastructure (fast and efficient transportation system), employment and work for the nearly one billion urban poor living in informal settlements. These people are forced to live on the outskirts of cities in order to be close to job opportunities (World Bank, 2020).

In Iran, the study of the urbanization process shows the rapid growth of urbanization in the country. As the urban population of the country has reached 74% of the country's total population in a continuous process from 31% in 1956, while the rural population has decreased from 68.6% in 1956 to 26% in 2016. (Iran Statistics Center, 2018: 12). The process of formation and expansion of Tehran city shows that immigration has always played a big role in the growth of this city and the southern areas of Tehran city have attracted the highest percentage of rural immigrants (Zareh, 2019: 26).

Considering the migration of poor rural groups to the city of Tehran, the issue of social integration of migrant groups in the urban society becomes particularly

* Corresponding Author: r.hashemi35@yahoo.com

How to Cite: A, Hashemi; M, Azkia; Y, Mousavi. (2024). Urban poverty as social exclusion from the labor market: strategies and consequences Case study: poor rural immigrants of Tehran city, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 14(57),. 1-50.

important. In the past few decades, the lack of balanced development has caused the migration of a large number of poor villagers looking for work and a better livelihood. But many immigrants are inevitably employed in false, low-yield and temporary sectors. They experience all kinds of social rejection and job risks in their daily life (Pervin et al., 2017: 199).

The concept of social exclusion is used to show the lack of social integration of those who are out of the social support network and those who are affected by long-term unemployment. This concept refers to an unfavorable and multifaceted situation including marginalization in the labor market, poverty and social isolation. These different dimensions reinforce each other and lead to a cycle of further deterioration and deterioration (Nowosielski, 2012: 291).

Therefore, the final goal of the research was to achieve a theory based on field data and with a collaborative method in a way that can better explain the formation and continuation of the phenomenon of poverty in these studied areas. Based on these questions, what strategies are used by the urban slums to deal with social exclusion? And what are the consequences of these strategies?

Methods

The research method is the grounded theory method of Strauss and Corbin (2018). Data collection techniques include in-depth and semi-structured interviews, documentary and library methods, direct observation, note-taking and data recording. The reason for using this method is to get a deeper and more comprehensive understanding of the subject.

The sampling method used was purposeful. For this purpose, heads of households that have characteristics such as subsistence poverty, long-term unemployment and staying in the place for more than 5 years were selected as samples. Sampling continued until the theoretical saturation stage until it did not lead to new data.

Results

In this article, the strategies of the urban slums in the face of exclusion from the labor market are studied in the four categories of immigration, accommodation, employment and treatment. These strategies have been formed to adapt to difficult living conditions and have had several consequences. The results show that unfavorable living conditions have led to the violation of privacy and tension in neighborhood relations. Also, the employment of children has led to their

withdrawal from formal education and ultimately the continuation of poverty. Women's employment has led to women's independence and authority at home. Women's employment is caused by men's job risks.

Some strategies have led to the persistence of intergenerational poverty. However, in many cases, poor families have experienced a better situation compared to their difficult living conditions in the village, and in some cases, they have been successful in getting out of poverty. Therefore, migration of poor villagers to cities has not always had negative consequences.

Discussion

Based on this research, we can draw conclusions that one of the dimensions of exclusion of the urban poor is exclusion from the official labor market. Formal employment on a general scale has faced many challenges in these neighborhoods, including: high population growth rate, increase in women's participation rate, rural migrations to cities. Also, conditions such as inflation, unemployment, unnecessary bureaucracy and increased labor demand have caused many job seekers to turn to the informal market. Informality and marginalization have taken place in all aspects of the daily life of the urban poor and have caused the marginalization of poor rural migrants in urban life.


Keywords: Urban poverty; social exclusion; Exclusion from the labor market; Tehran City; Grandad theory




فقر شهری به مثابه طرد اجتماعی از بازار کار: راهبردها و پیامدها

مطالعه موردی: مهاجران فقیر روستایی شهر تهران


دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم
تحقیقات، تهران، ایران.

عبدالرسول هاشمی 

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مصطفی ازکیا 

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

سید یعقوب موسوی* 

چکیده

فقر و نابرابری اجتماعی از معضلات عمده کشورهای در حال توسعه است که به دنبال شهرنشینی شتابان رخ داده است. هدف از این تحقیق تبیین پدیده فقر شهری در مناطق جنوب و جنوب غرب شهر تهران از خلال یک پژوهش میدانی و کیفی است. بدین منظور از روش تحقیق نظریه زمینه‌ای استفاده شد. تکنیک‌های تحقیق شامل مشاهده مستقیم، بررسی اسناد و مدارک و مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق شامل سرپرستان خانوارهای فقیر ساکن در مناطق مذکور است. در مجموع تعداد ۳۷ نفر در تحقیق مشارکت کرده‌اند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله برفی است که تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. نتایج تحقیق بر اساس مدل پارادایمی در پنج محور شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها قرار دارد. در این مبحث به راهبردها و پیامدها پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج تحقیق طرد از بازار کار به عنوان مقوله مرکزی شناخته شده به گونه‌ای که پدیده فقر در مناطق مورد مطالعه در شهر تهران بر اساس آن تبیین می‌شود. همچنین مهاجران فقیر روستایی به دلیل ضعف سرمایه اقتصادی و انسانی و شرایط نامساعد اقتصادی و اشتغال به راهبردهایی برای بقا در شهر روی آورده‌اند که اشتغال غیررسمی و موقتی، اسکان مشترک و درمان جایگزین از جمله راهبردها است. در این مقاله راهبردها در چهار مقوله مهاجرت، اسکان، اشتغال و درمان و پیامدها در مقولاتی مانند اقتدار زنان، فقر بین نسلی، خشونت خانگی، گسترش اعتیاد، و انزوای اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: فقر شهری، طرد اجتماعی، طرد از بازار کار، شهر تهران، نظریه زمینه‌ای

بیان مسئله

امروزه فقر و نابرابری شهری از معضلات اصلی شهرها به خصوص در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. پدیده فقر مزمن و نابرابری شدید در کلان‌شهرها که در قالب استعاره‌هایی همانند شمال و جنوب بیان می‌شود، پیامدهای متعدد زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای کشورها داشته است. به منظور پی بردن به اهمیت فقر شهری لازم است نگاهی به آمارهای جهانی در زمینه شهر و شهرنشینی و فقر شهری بیندازیم. در مقیاس جهانی، امروزه بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این روند در حال گسترش است، به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود، تا سال ۲۰۵۰ بیش از دو برابر جمعیت فعلی شهرها (تقریباً ۷ نفر از ۱۰ نفر جمعیت جهان) در شهرها زندگی کنند. در این میان، حدود ۹۵ درصد توسعه شهری در دهه‌های آینده در کشورهای در حال توسعه اتفاق می‌افتد سرعت ابعاد شهرنشینی مشکلات و چالش‌های زیادی را بوجود آورده است. مانند تقاضای روبه رشد مسکن، زیرساخت‌ها (سیستم حمل‌ونقل سریع و کارآمد)، اشتغال و کار برای تقریباً یک میلیارد نفر از فقرای شهری که در اقامتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. این افراد برای اینکه نزدیک به فرصت‌های شغلی باشند ناچار به زندگی در حاشیه شهرها هستند (World Bank, 2020).

در مورد ایران، بررسی روند شهرنشینی بر مبنای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ بیانگر رشد شتابان شهرنشینی در کشور است. چنانکه سهم جمعیت شهرنشین کشور طی روندی مستمر از حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ رسیده است در حالی که جمعیت روستانشین از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ با ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۱۲).

در مورد شهر تهران، نتایج حاصل از داده‌های آماری نشان می‌دهد جمعیت شهر تهران طی قرن چهاردهم هجری شمسی بیش از ۴۳ برابر شده است و از حدود ۲۱۰ هزار

نفر در آغاز قرن به ۹/۱ میلیون نفر در پایان قرن رسیده است. این در حالی است که در این فاصله زمانی جمعیت کل کشور حدود ۸/۵ برابر شده است (صادقی، ۱۴۰۱: ۱۹).

یکی از جلوه‌های بارز فقر و طرد شهری سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده است. در این زمینه بر اساس گزارش‌ها، مساحت سکونتگاه غیررسمی شهر تهران: ۵۵۵۳ هکتار و جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تهران: ۱.۲ میلیون نفر برآورد شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۳۹۸). همچنین بر اساس اظهارات مقامات حدود ۱۶.۸ درصد از مساحت که ۷.۵ درصد سطح شهرها را شامل می‌شود در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی است، که در استان تهران دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در حوزه حاشیه‌نشین‌ها و دو میلیون ۲۰۰ هزار نفر نیز در بافت فرسوده سکونت دارند که به لحاظ جمعیتی ۳۶ درصد جمعیت استان تهران و به لحاظ سطح دربرگیری ۱۰ درصد در حوزه بافت فرسوده سکونت دارند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷).

روند شکل‌گیری و گسترش شهر تهران نشان می‌دهد مهاجرت همواره نقش زیادی در رشد این شهر داشته است. نوع مهاجرت‌ها با توجه به منشأ روستایی و شهری و اسکان آن‌ها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نیز متفاوت بوده است. مناطق عمدتاً جنوبی شهر تهران بیشترین درصد مهاجران روستایی را به خود جذب کرده‌اند و بیشترین درصد مهاجران شهری با حدود ۸۴ درصد به مناطق توسعه‌یافته‌تر مانند ۲، ۵، ۶ و ۱۴ وارد شده‌اند (زارع، ۱۳۸۹: ۲۶). بنابراین پیشینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران در نحوه اسکان آن‌ها نقش داشته است. همچنین داده‌های آماری نشان می‌دهد، طی دهه‌های گذشته شکل‌گیری جمعیت در استان تهران متأثر از اسکان غیررسمی گروه‌های کم‌درآمد و استقرار بی‌رویه و پراکنده فعالیت در اراضی حاشیه‌ای و اطراف آبادی‌ها و شهرها و راه‌های اصلی منطقه بوده است (فتحی، ۱۳۹۷: ۳۲).

همچنین تحقیقات متعددی نیز حاکی از اختلاف زیاد در توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران است. برای مثال بیشترین درجه توسعه‌یافتگی به منطقه ۳ و کمترین به مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ تعلق داشته است (صادقی و رنجبری، ۱۳۹۶: ۱۴۹). در این میان یکی از شاخص‌های

فقر شهری به مثابه طرد اجتماعی از بازار کار...، هاشمی و همکاران | ۷

توسعه اجتماعی درصد باسواد است. داده‌های آماری نشان می‌دهد در بین مناطق شهر تهران بیشتری میزان بی‌سوادی به منطقه ۱۷ (۱۰/۴ درصد) و منطقه ۱۹ (۱۰/۲ درصد) اختصاص دارد. منطقه ۱۸ نیز با (۹/۵ درصد) رتبه بالایی در میان سایر مناطق دارد. در این بین کمترین میزان بی‌سوادی مربوط به منطقه ۳ با (۱/۸ درصد) و منطقه ۶ با (۱/۹ درصد) است (مرکز آمار ایران: ۱۳۹۹، ۵۷). این آمارها نشان‌دهنده میزان بالای نابرابری در مناطق شهر تهران است. همچنین نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که در تمام عوامل فقر مسکن، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مناطق ۱۷، ۱۹، ۱۸ و ۱۶ بالاترین رتبه‌ها را داشتند (موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹).

با توجه به مهاجرپذیری شهر تهران و اختلاف زیاد در توسعه‌یافتگی مناطق شهری تهران و در این میان مهاجرت گروه‌های تهی‌دست به مناطق مذکور، مسئله ادغام اجتماعی گروه‌های مهاجر در جامعه شهری اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در چند دهه گذشته به دلیل مهاجرت بی‌رویه و بی‌قاعده به شهرها، تعادل نظام شهری به هم خورده است. بی‌توجهی به موضوع توسعه متوازن، باعث شده که هر ساله تعداد زیادی از دیگر مناطق کشور در جستجوی کار و معیشت بهتر به شهر تهران وارد شوند و بسیاری از مهاجران به ناچار در بخش‌های کاذب، کم‌بازده و موقت اشتغال یافته‌اند و انواع طرد اجتماعی و مخاطرات شغلی را در زندگی روزمره خود تجربه کنند (پروین و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

مفهوم طرد اجتماعی برای نشان دادن عدم ادغام اجتماعی کسانی که از شبکه حمایت اجتماعی خارج شده‌اند و کسانی که تحت تأثیر بیکاری طولانی مدت قرار گرفته‌اند بکار برده می‌شود. این مفهوم به وضعیتی نامساعد و چندوجهی شامل در حاشیه قرار گرفتن در بازار کار، فقر و انزوای اجتماعی اطلاق می‌شود. این ابعاد مختلف همدیگر را تقویت می‌کنند و به چرخه‌ای از وخامت و زوال بیشتر منجر می‌شوند (Nowosielski, 2012: 291).

بنا بر آنچه گفته شد، هدف نهایی تحقیق دست یافتن به نظریه‌ای بر پایه داده‌های میدانی و با روش مشارکتی بود به گونه‌ای که بتواند شکل‌گیری و تداوم پدیده فقر را در

این مناطق بهتر تبیین کند. بنابراین سؤالاتی از این قبیل مطرح شد که: چه شرایط و عواملی موجب شکل‌گیری پدیده فقر شهری در مناطق مورد مطالعه شده است؟ و تهیدستان شهری برای مقابله با فقر شهری و طرد اجتماعی چه راهبردهایی به کار برده‌اند؟ و راهبردهای آنان چه پیامدهای داشته است؟ در این مقاله ضمن پرداختن به نتایج کلی حاصل از تحقیق بر ابعاد راهبردی و پیامدی تمرکز می‌شود.

چارچوب مفهومی

فقر شهری

فقر شهری همان‌طور که راتن^۱ (۱۹۹۵) می‌گوید از دو جهت می‌توان در نظر گرفت: نخست در نظر گرفتن فقر شهری در یک کلیت و ساختار اجتماعی با در نظر گرفتن مناطق روستایی و دوم مطالعه فقر شهری صرفاً بر اساس معیارهای شهری و موضوعات و مسائل خاص در شهرها. به نظر راتن فقر شهری را از فقر روستایی نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد. زیرا زیستگاه‌های انسانی طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند که به راحتی نمی‌توان آنها را به دو بخش مجزا تقلیل داد. همچنین بین عملکرد شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و نواحی روستایی ارتباط وجود دارد، به طوری که حل مسئله یکی از بخش‌ها نمی‌تواند جدا از دیگری انجام شود. وابستگی متقابل بین شهر و حومه در موضوعاتی مانند مهاجرت روستایی و شهری، رشد جمعیت، کار فصلی، بازار محصولات غذایی، کالای صنعتی و خدمات و منابع آب و دیگر موارد همواره وجود دارد و افراد ممکن است بین این بخش‌ها برای گذران زندگی خود رفت‌وآمد کنند و دخالت در هر بخش از سیستم بخش‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

راتن ویژگی‌های خاصی از فقر که در ارتباط نزدیک با شهرنشینی، مشخص می‌شود، به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: (۱) مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی و

فقر شهری به مثابه طرد اجتماعی از بازار کار...، هاشمی و همکاران | ۹

اختلال در کارکردهای صنعتی و مسکونی؛ ۲) آسیب‌پذیری ناشی از مبادله تجاری؛ ۳) تنوع اجتماعی، قطعه‌قطعه شدن و جرم و ۴) آسیب‌پذیری ناشی از مداخله دولت و نیروی پلیس (Wratten, 1995: 20).

آمیس^۱ نیز معتقد است مباحث فقر شهری با تمرکز بر مسئله شهرنشینی، از یک نکته مهم غفلت می‌کنند و آن فرایند پرولتاریا سازی یا میزان وابستگی معاش افراد به دستمزد نقد است. به عبارت دیگر، این مسئله آن‌چنان که به سرمایه‌داری مرتبط است، چندان مشخصاً شهری تلقی نمی‌شود و می‌تواند به‌طور بالقوه در اقتصادهای روستایی هم شناسایی شود (Amis, 1995: 147).

برخی محققانی نیز مانند کائن (۱۹۶۸) به جدایی‌گزینی سکونت همراه با سایر نیروهای اقتصادی توجه کرده‌اند که موجب طرد و انزوای ساکنان محلات و بروز بیکاری مزمن شده است. از این رو جداسازی مکانی منبع فقر پایدار و عدم دسترسی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و فقر بین نسلی است. همچنین ویلسون^۲ (۱۹۸۷) با طرح مفهوم زیر طبقه^۳ به نقش فرایندهای اجتماعی در ایجاد نواحی فقیرنشین نشان داد که ساکنان این مناطق طرد و محرومیت چندگانه را تجربه می‌کنند (Wolf, 2007: 62).

کاستلز^۴ نیز استدلال می‌کند که دولت با یارانه دادن به هزینه بازتولید نیروی کار نقش اصلی را در میانجیگری منافع طبقاتی در مناطق شهری ایفا می‌کند و زمانی که دولت به نفع فقرا مداخله می‌کند خروج از این کمک‌ها ویرانگر است. حذف یارانه‌های دولتی بر مواد غذایی اساسی به میزان زیادی آسیب‌پذیری خانواده‌های فقیر را در آفریقا افزایش داده است و موجب افزایش سریع قیمت‌ها شده است و درآمد واقعی آنها کاهش یافته است. برای مثال اکثر خانوارهای کم‌درآمد در شهر لوکازا رژیم غذایی‌شان را تغییر داده‌اند (Wratten, 1995: 24).

-
1. Amis
 2. Wilson, W J
 3. Underclass
 4. Castells

با این حال، گفتمان فقر محدودیت‌های جدی دارد. اول از همه، اغلب به عنوان یک‌بعدی تلقی می‌شود که تنها به محرومیت مادی (اغلب درآمد) کاهش می‌یابد (Iceland, 2007). ثانیاً، فقر یک مفهوم ثابت است و به جای فرآیند فقیر شدن، وضعیت خاصی از فرد را توصیف می‌کند (Paugam, 1996) ثالثاً، «فقر ناگزیر یک مفهوم سیاسی است و بنابراین ذاتاً یک مفهوم بحث‌برانگیز است» (Alcock, 1997: 3).

مفهوم محرومیت نسبی از جمله مفاهیم جایگزین است. این مفهوم به احساسات روان‌شناختی افرادی مربوط می‌شود که تصور می‌کنند، دارای کالاهای اجتماعی بسیار کمتری نسبت به سایر افراد مشابه هستند به عبارت دیگر محرومیت در ارتباط با وضعیت مطلوب رخ می‌دهد نه در رابطه کمبود دارایی‌ها فی‌نفسه. اصطلاح جایگزین دیگر، حاشیه‌نشینی است، که مفهومی جامعه‌شناختی است و از عبارت «انسان حاشیه‌ای» رابرت پارک^۱ (۱۹۲۸) نشأت می‌گیرد. با این حال، دامنه اهمیت آن از گروه‌های مهاجر قومی در ابتدای کاربرد به سایر اقلیت‌ها (مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) گسترش یافته است. اصطلاح حاشیه‌نشینی نسبت به مفهوم فقر چندبعدی‌تر است و وضعیت ساختاری افراد و گروه‌های به حاشیه رانده شده را توصیف می‌کند. با این وجود این مفهوم آمیخته‌ای از محدودیت‌های روانی، اجتماعی و احساسی است. شاید به همین دلیل است که به عنوان یک مفهوم تجربی، نقش تعیین‌کننده‌ای در مطالعه فقر نداشته است (Nowosielski, 2012: 371).

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی از دیگر مفاهیمی جایگزین فقر بوده است. از اوایل دهه ۱۹۸۰ و در پی گسترش جهانی شدن و تحولات بازار کار، نظام سرمایه‌داری با انواع جدیدی از قوانین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ابعاد فراملیتی همراه شد. افزایش بیکاری و گسترش فقر موجب شد تا مفهوم طرد اجتماعی به‌طور گسترده‌تری برای تحلیل فرایندهای فروپاشی و

1. Park, Robert.

شرایط ناامنی اجتماعی به کار گرفته شود. در این دوره مسئله فقر صرفاً معطوف به حاشیه‌ها مانند افراد ناتوان یا کسانی که از هنجارهای اجتماعی فاصله گرفته‌اند، نبوده بلکه با مسائلی چندبعدی چون مخاطرات شغلی، بیکاری، تزلزل و بی‌ثباتی و فروپاشی شبکه‌های خانوادگی، از دست دادن موقعیت اجتماعی، فروپاشی ساختار اجتماعی و از دست رفتن ارزش‌های جمعی همراه بوده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹: ۴۱).

محققان ریشه این مفهوم را در آثار نویسندگان مختلف دانسته‌اند: از جمله هیلاری سیلور^۱ (۲۰۰۷) لیست بلندبالایی از جامعه‌شناسانی که بر توسعه این مفهوم تأثیر داشته‌اند برمی‌شمارد. از جمله مارکس^۲، دورکیم^۳، وبر^۴، زیمل^۵، الیاس^۶ و گافمن^۷ در نظریه مارکس ماهیت کار در جوامع سرمایه‌داری به دلیل تجزیه آن به اجزاء و تقسیم کار تخصصی و محدود کردن کارگران به جنبه‌هایی از تولید بیگانه‌کننده است (توسلی، ۱۳۷۵: ۹۷). بدین ترتیب، طرد اجتماعی در چارچوب مفهوم از خودبیگانگی قرار می‌گیرد.

گیدنز^۸ (۲۰۰۷) با الهام از مارکس معتقد است، نهاد اقتصادی از طریق ارزش افزوده و استثمار، جامعه را به طبقات اقتصادی مبتنی بر شغل و درآمد تقسیم می‌کند. به لحاظ اجتماعی مطرود یعنی بیکار یا دارای مشاغل پاره‌وقت و موقت. وی از اصطلاح طرد اجتماعی به‌طور وسیعی برای اشاره به وضعیت گروه‌هایی که در قسمت زیرین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (زیر طبقه) قرار دارند، استفاده می‌کند.

کاستلز طرد اجتماعی را فرایندی می‌داند که افراد و گروه‌ها به‌طور سیستماتیک از معیارهای زندگی معمول و مستقل در هر جامعه محروم می‌شوند. در سرمایه‌داری اطلاعاتی طرد اجتماعی فرایندی است که حق انتخاب کار از افراد سلب می‌شود. طرد و محرومیت به

-
1. Silver
 2. Marks
 3. Durkheim
 4. Weber
 5. Simmel
 6. Elias
 7. Goffman
 8. Giddens

گروه‌هایی منتسب می‌شود که به هر دلیل توسط جریان اصلی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به فراموشی سپرده شده‌اند، یا مورد تبعیض و غضب قرار گرفته‌اند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۹۳).

آمارتیا سن^۱ (۲۰۰۰) طرد اجتماعی را به شکست در کسب سطوحی از قابلیت افراد نسب می‌دهد. با این تعریف طرد اجتماعی خود بخشی از فقر قابلیت و مؤلفه ذاتی و اساسی فقر است که به ناکامی ساختاری در دیگر قابلیت‌ها می‌انجامد. سیلور (۲۰۰۷) ضمن پرداختن به رابطه فقر مزمن و طرد معتقد است، طرد اجتماعی در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد و سه سطح خرد (فردی)، میانی (گروهی) و کلان (ملی و حتی بین‌المللی) را ذکر می‌کند. در سطح خرد نشان می‌دهد که چگونه حوادث زندگی یا تغییرات تاریخی باعث طرد می‌شوند. در سطح میانه بر گروه‌ها تأکید می‌شود اینکه چگونه ترسیم تمایزها و مرزهای اجتماعی منجر به طرد برخی گروه‌ها می‌شود. در سطح کلان، درک ملی و گستره مفهوم طرد اجتماعی و همچنین معرف آن در کشورهای مختلف متفاوت است.

به‌طور کلی دو نوع تعریف برای توصیف طرد اجتماعی مطرح می‌شود. نخست تعریف نسبتاً تقلیل‌گرایانه که خیلی به مفهوم فقر نسبی تاوسند نزدیک است. به معنی فقدان منابع مادی و محروم بودن از الگوی رایج فعالیت‌ها و رسوم متداول زندگی و دوم: معنی گسترده‌تر که علاوه بر آن سایر گروه‌های اجتماعی خارج از جریان اصلی جامعه را نیز در برمی‌گیرد و نه تنها فقر را شامل می‌شود، بلکه ویژگی‌های دیگر از جمله نژاد، ملیت، قومیت، سن و جنس و جنسیت و بی‌قدرتی را دربرمی‌گیرد. هر یک از این ویژگی‌ها سبب می‌شود که فرد یا گروهی به درستی در ساختار اجتماعی ننگند و منجر به فقر شود. بنابراین مفهوم طرد اجتماعی به معنی از هم گسیختگی پیوند اجتماعی است و به روند کاهش مشارکت و همبستگی اجتماعی و دسترسی افراد و گروه‌ها اشاره دارد و در سطح فردی به ناتوانی افراد در شرکت در فعالیت‌های اجتماعی متداول و ساختن روابط اجتماعی معنی‌دار می‌پردازد (Silver, 2007: 124).

1. Amartya Kumar Sen

در مقایسه مفهوم فقر و طرد باید گفت طرد اجتماعی مفهومی چندوجهی و فراتر از ابعاد مادی و اقتصادی است و بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند طرد از حقوق شهروندی، طرد از مشارکت در زندگی اجتماعی و طرد جنسیتی اشاره دارد. روند طرد و محرومیت در جوامع پیچیده است و در کنار طرد از طرف دیگران خود مطرود سازی نیز وجود دارد. انگ فقر سبب می‌شود که فقرا از زندگی اجتماعی خود را کنار بکشند. داغ فقر هنگامی بیشتر احساس می‌شود که فقرا به دلیل ناتوانی در تهیه مایحتاج خود مانند خرید هدایا در مراسم و اعیاد و مهمانی‌ها شرکت نمی‌کنند (ناریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹۲).

بر این اساس فقر نیز خود عامل طرد اجتماعی می‌شود و عوامل اجتماعی و اقتصادی در چرخه انزوا و بی‌قدرتی همدیگر را تقویت می‌کنند. علل فقر و مطرودیت متعدد است و فراتر از فقر اقتصادی است و به مجموعه عوامل و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد. همچنین روند طرد و محرومیت در جوامع پیچیده است و در کنار طرد از طرف دیگران خود مطرود سازی نیز وجود دارد. انگ فقر سبب می‌شود که فقرا خود را از زندگی اجتماعی کنار بکشند. داغ فقر هنگامی بیشتر احساس می‌شود که فقرا به دلیل ناتوانی در تهیه مایحتاج خود مانند خرید هدایا در مراسم و اعیاد و مهمانی‌ها شرکت نمی‌کنند. فقر باعث می‌شود، فقرا خود را از شرکت در شبکه‌های اجتماعی پیرامون خود محروم کنند (همانجا: ۳۱۰).

همچنین عوامل اجتماعی و اقتصادی در چرخه انزوا و بی‌قدرتی همدیگر را تقویت می‌کنند. برای مثال عدم عضویت در صندوق پس‌انداز و وثیقه، عدم رفتن به مدرسه و نداشتن شناسنامه احساس طرد و انزوا را در فقرا تشدید می‌کند. بر این اساس، فقر نیز خود عامل طرد اجتماعی می‌شود. با این وجود علل محرومیت و مطرودیت متعدد است و فراتر از فقر اقتصادی است. ناتوانی جسمی و ذهنی و معلولیت نیز سبب می‌شود که افراد نتوانند در گردهمایی‌ها و اجتماع شرکت کنند و مطرود شوند. رفتارهای خلاف هنجارهای پذیرفته شده مانند همجنس‌گرایی، دزدی، گدایی، جمع‌آوری زباله، فعالیت‌های مجرمانه

مانند توزیع مواد مخدر و حتی داغ و نشان محلات بدنام و سکونت در مناطق دورافتاده موجب محرومیت و انزوای اجتماعی افراد می‌شود (همان: ۳۱۵).

با توجه به مطالب گفته‌شده، طرد از بازار کار یکی از وجوه طرد اجتماعی است که رابطه نزدیکی با فقر اقتصادی و اجتماعی خانوار دارد. طرد اجتماعی از بازار کار مفهومی رابطه‌ای و ساختارمند است که می‌توان آن را در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان مطرح کرد. طرد از بازار کار در سطح خرد، به کنشگران در بازار کار، در سطح میانی، به روابط کار بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی و در سطح کلان به ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد. هر یک از این ابعاد منجر به خروج افراد از بازار کار می‌شود. در مجموع با توجه به تعاریف و توصیفات بیان‌شده، طرد اجتماعی از بازار کار شامل تمام فرایندها و شرایطی است که به حاشیه رفتن افراد در بازار کار می‌انجامد و شامل مواردی از قبیل بیکاری مزمن، اشتغال ناقص و غیر مؤثر، اشتغال موقت و ناپایدار و فقدان درآمد مکفی می‌شود. هر یک از این موارد به چرخه‌ای از فقر اجتماعی و اقتصادی خانوارهای تهیدست شهری منجر می‌شود.

پیشینه تحقیق

در زمینه فقر و طرد اجتماعی تحقیقات تجربی فراوانی در جهان انجام شده است که در این میان تحقیقات با رویکرد مشارکتی اهمیت بسزایی در دهه‌های اخیر داشته است. از جمله این تحقیقات مطالعه‌ای است که حاصل مصاحبه با ۶۴۰۰ نفر از فقراى جهان در زمینه ساخت ابعاد فقر در سال ۲۰۰۰ با حمایت بانک جهانی انجام شده است (ناریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) بر اساس این مطالعه فقر یا کیفیت بد زندگی از دیدگاه مردمان فقیر چیزی بیش از فقر مادی است و دربرگیرنده ابعاد و زوایای چندگانه و درهم تنیده است که ترکیب آنها باعث بوجود آمدن بی‌قدرتی، تداوم آن و نهایتاً عدم آزادی و انتخاب برای فقرا می‌شود. ابعاد ده‌گانه فقر عبارت‌اند از: معیشت ناپایدار، مکان‌های مخاطره‌آمیز و بدنام،

گرسنگی و خستگی و بیماری جسمی، روابط جنسی آشفته و نابرابر، روابط اجتماعی تبعیض آمیز و انزوا، عدم امنیت و آرامش ذهنی، بی‌احترامی و بدرفتاری افراد قدرتمند با آن‌ها، نهادهای ناتوان‌کننده و محروم‌کننده، ضعیف بودن سازمان‌های مربوط به فقرا، فقدان اطلاعات و آموزش، مهارت و اعتماد و قابلیت‌ها و توانایی‌های محدود.

از دیگر تحقیقات در چارچوب مشارکتی برنامه ایست که توسط کمیسیون اتحادیه اروپا^۱ (۲۰۱۸) به عنوان برنامه عملیاتی مشارکتی با هدف کاهش فقر شهری اجرا شده و بر چهار حوزه اولویت‌دار متمرکز است که عبارت‌اند از: فقر کودکان، احیاء محلات محروم، ساماندهی بی‌خانمان‌ها، آسیب‌پذیری مردمان کولی. بر این اساس نتیجه‌گیری شده است که فقر شهری به راه‌حل‌هایی نیاز دارد که در طراحی و اجرا از رویکردهای یکپارچه زیر استفاده شود. به‌طور کلی دو نوع راه‌حل طرح شده است: ۱. راه‌حل‌های مبتنی بر مکان و احیای محلات محروم؛ ۲. راه‌حل‌های مبتنی بر مردم شامل ادغام اجتماعی و اقتصادی گروه‌های جمعیتی خاص با تمرکز بر کودکان.

تحقیقی نیز توسط محققان دانشگاه آکسفورد با روش مشارکتی و با هدف شناسایی ابعاد آشکار و پنهان فقر و ارتباط آنها با یکدیگر در قالب یک پروژه تحقیقاتی بین‌المللی در شش کشور بنگلادش، بولیوی، فرانسه، تانزانیا، انگلستان و ایالات متحده انجام شده است. این پروژه بر اساس روش‌شناسی مشارکت ادغام دانش فعالان و مجریان و دانشگاهیان و مردمی که با فقر روبرو هستند انجام گرفته است. این روند منجر به شناسایی ۹ بعد مهم فقر شده است بر اساس این مطالعه شش مورد از این ابعاد قبلاً پنهان بوده‌اند و به‌ندرت در مباحث سیاست‌گذاری مطرح بوده‌اند که به سه بعد شناخته‌شده‌تر شامل فقدان کار مناسب و درآمد ناکافی و نامطمئن و محرومیت مادی و اجتماعی اضافه می‌شوند. تمام ابعاد نه‌گانه فقر با هم ارتباط دارند و معمولاً با هم تجربه می‌شوند. ابعاد نه‌گانه فقر به ترتیب عبارت‌اند از: بعد اول؛ تجربیات اصلی فقرا که در مرکز مفهوم فقر قرار دارند شامل: ۱. ناتوانی و بی‌قدرتی، ۲. رنجش بدنی ذهنی و احساسی، ۳. تلاش و مبارزه و مقاومت؛ بعد

1. European Commission

دوم؛ پویایی ارتباطی شامل: ۱. بدرفتاری نهادی و سازمانی، ۲. بدرفتاری اجتماعی، ۳. کمک‌های ناشناخته؛ بعد سوم؛ امتیازات شامل: ۱. نداشتن کار مناسب، ۲. درآمد ناکافی و نامطمئن، ۳. محرومیت مادی و اجتماعی (Bray R. et al, 2019: 8).

در داخل کشور، تحقیقات فقر شهری نسبت به فقر روستایی سابقه کمتری داشته است. در زمینه اسکان غیررسمی رشته مطالعاتی نیز در قالب تک‌نگاری توسط پرویز پیران (۱۳۶۶) با عنوان آلونک نشینی در تهران انجام شده است. پیران ضمن توصیف ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آلونک نشین‌ها و حلی‌آبادها معتقد است، با شروع توسعه برون‌زا در کشور و در جهت فراگیر شدن الگوی مصرف خاص نظام سرمایه‌داری غربی رابطه سه نظام معیشتی سنتی از هم پاشیده و ایل و روستا به ساختار مجزا و در حال فروپاشی تبدیل شد. شبکه شهری در پیوند با بخش خدمات رشد کرد و شهرهای بزرگ به ویژه پایتخت را به ایستگاه خدمات‌رسانی به جمعیت مصرف‌کننده تبدیل کرد. نتیجتاً روستا به زائده‌ای در ساختار جامعه بدل می‌شود و علت وجودی خود را از دست می‌دهند.

تحقیقات با موضوع فرهنگ فقر برای مدتی جذابیت‌های زیادی برای محققان داخلی داشته است. این دیدگاه با انتقادات فراوانی همراه بود. از جمله این تحقیقات به پژوهشی می‌توان اشاره کرد که با روش اتنوگرافی و با تأکید بر فرهنگ فقر در محله هادی آباد شهر قزوین توسط فلاح صفوی (۱۳۸۴) انجام شده است. وی به بررسی شیوه‌های زندگی ساکنان محله فقیرنشین از منظر انسان‌شناسی شهری پرداخته و نتیجه گرفته است که محله هادی آباد به دلیل دارا بودن شرایط خاص کالبدی، یک سکونت‌گاه نامتعارف شهری و محله‌ای فقیرنشین است. شیوه زندگی ساکنان آن نیز مؤید وجود اغلب مؤلفه‌های فرهنگ فقر در میان آنها است.

همچنین "فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳" عنوان تحقیقی است که احمدی و ایمان (۱۳۸۴) انجام داده‌اند. این مطالعه با روش پیمایشی و با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های فرهنگ فقر بر گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه انجام شده است. یافته‌های پژوهشگر بیانگر رابطه بین

حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر نظیر عدم تمایل به پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت با گرایش به رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با بزهکاری جوانان است.

همچنین، پروین و درویشی فرد (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری در محله هرنندی (دروازه غار سابق تهران) و در بین گروهی موسوم به غربتی‌ها و با روش تحقیق کیفی به انجام رسانده‌اند. نتیجه‌گیری آن بوده که غربتی‌ها خرده‌فرهنگ خاصی دارند که زمینه را برای انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی فراهم کرده است.

بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از حاشیه‌نشینی مطالعه‌ای بوده که با روش پدیدارشناسی در محله اسلام‌آباد منطقه ۲ تهران توسط اسماعیلی و امید (۱۳۹۱) انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درک و تجربه حاشیه‌نشینان از سکونت در این مکان دقیقاً همان درکی نیست که پژوهشگران و سیاست‌گذاران و مردم دارند. اضطراب دائم به دلیل عدم مالکیت زمین و مسکن، بی‌اطلاعی از تصمیمات مسئولان درباره نحوه رفتار با این مناطق همواره حاشیه‌نشینان را رنجانده است. مفاهیم و مضامین اصلی حاصل شده عبارت بودند از: پیش‌بینی‌ناپذیری، مطلوبیت در قیاس با گذشته، تقدیرگرایی، اولویت اشتغال و وجود علاقه‌ها و پیوندها.

جوهری پور (۱۳۹۴) تحقیقی را با عنوان محله‌های فرودست شهری و حق به شهر در محله خاک سفید شهر تهران با روش اسنادی، کتابخانه‌ای و مشاهده‌ای انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد، محله خاک سفید در چند دهه گذشته شکل‌های متفاوتی از بازار غیررسمی زمین و مسکن را تجربه کرده است که از تصرف عدوانی اراضی وقفی و دولتی آغاز شده و تفکیک واحدهای مسکونی موجود و استفاده مشترک از خدمات شهری و توسعه عمودی به شکل پشت‌بام‌سازی از جمله واپسین تحولات آن محسوب می‌شود. این محلات که با عنوان محله‌های فرودست شهری از آن‌ها نام‌برده می‌شود تحت تأثیر توأمان شهری شدن فقر و سیاست‌های ناکارآمد توسعه شهری را نشان می‌دهد.

حمیدیان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای را در زمینه طرد اجتماعی گروه‌های مهاجر شهر اصفهان با تأکید بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی با تلفیق روش کمی و کیفی در مناطق شهر اصفهان به انجام رسانده است که نشان می‌دهد مهاجران خارجی در مقایسه با مهاجران داخلی طرد بیشتری را تجربه می‌کنند و بین متغیرهایی مانند هویت قومی و مکانی مهاجران و تبعیض اجتماعی، دسترسی به منابع و طرد اجتماعی رابطه قوی وجود دارد.

صادقی (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود با عنوان زندگی روزمره تهیدستان شهری، روایت تهیدستان شهری را در حاشیه‌های پایتخت و شهرهای سلطان‌آباد و اکبرآباد و مناطق مجاور و شهر تهران در اوایل دهه ۹۰، با روش مردم‌نگارانه مطالعه کرده است. بر اساس این مطالعه گرچه نولیرالیسم و نیروهای بازار عرصه‌هایی را برای فقرای شهری تنگ کرده اما برخی زمینه‌هایی نیز برای عرضه اندام و پیشروی آرام آنها مهیا نموده است.

مطالعه‌ای دیگر با عنوان تحلیل پویایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ توسط علی موحد و سامان ولی‌نوری (۱۳۹۶) با تکیه بر داده‌های آماری کلان‌شهر تهران انجام شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که فقر در شهر تهران طی دوره مورد مطالعه از حالت متفرق به حالت به هم پیوسته و خوشه‌ای تغییر شکل داده است. به عبارتی دیگر تأثیرات ناشی از فرایند جدایی‌گزینی و مجاورت، اقشار فقیر را به مناطق فقیرنشین، عمدتاً در جنوب شهر تهران سوق داده است.

طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری عنوان پژوهشی بوده که با روش نظریه زمینه‌ای در مورد زنان فقیر شهری توسط زاهدی و همکاران (۱۳۹۶) صورت گرفته است. بر اساس این پژوهش ۵ مقوله عمده در شکل‌گیری طرد اجتماعی زنان فقیر شهری نقش داشته‌اند که عبارت بودند از: ضعف سرمایه فرهنگی، محدودیت‌های مادی، رویکرد منفی به فقرا، طرد ناشی از تجرد و حوادث منفی زندگی و مقوله نهایی به عنوان شکست هنجار-پیوند استخراج شده است

شالچی و قلی‌پور (۱۳۹۷) نیز پژوهشی با عنوان تجربه طرد زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی محله اسلام‌آباد تهران با روش کیفی تحلیل تماتیک انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان

می‌دهد که اغلب زنان ساکن در این محله از داشتن روابط بین گروهی و فرا محلی محروم هستند و به دلیل سبک سنتی زندگی از داشتن مهارت و اشتغال برخوردار نبوده و زیست وابسته را تجربه می‌کنند. همچنین تجربه اندکی از محیط شهری تهران دارند.

در مجموع با مروری بر تحقیقات انجام شده در زمینه طرد اجتماعی تهیدستان شهری، چند ویژگی مشاهده می‌شود. نخست، مطالعات متعددی در زمینه گروه‌های خاص به ویژه زنان با محوریت طرد جنسیتی انجام شده که اغلب زیست اجتماعی گروه‌های مطرود را در ابعاد کلی مطالعه نموده‌اند و به ابعاد خاص طردشدگی کمتر توجه شده است. همچنین وجه ساختاری فقر و طرد اجتماعی و تأثیر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بر گروه‌های حاشیه‌ای، کمتر مطالعه شده است. در خصوص مطالعات کیفی در زمینه طرد فقرای شهری از بازار کار، نیز با مروری بر تحقیقات انجام شده، پیشینه‌ای مشاهده نشده است.

در زمینه اشتغال فقرای شهری بخش عمده‌ای از تحقیقات در حوزه‌های علم اقتصاد انجام شده که این تحقیقات نیز با روش‌های کمی و با استناد به آمار و ارقام رسمی است. از این رو لازم است، مطالعات کیفی در زمینه‌های خاص فقر و طرد اجتماعی از جمله طرد از بازار کار تقویت شود. همچنین رویکرد مشارکتی در تحقیقات فقر در داخل کشور کمتر مورد توجه قرار داشته است. مطالعه حاضر تلاشی است در جهت رفع این خلأ تحقیقاتی و کسب شناخت عمیق‌تر و جامع‌تر از علل فقر شهری در مناطق مورد مطالعه.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در مطالعه حاضر روش نظریه زمینه‌ای با رویکرد استراوس و کوربین (۱۳۹۸) است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها بر اساس داده‌های واقعی اقدام کند (از کیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۰). تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند، روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم، یادداشت نویسی و ضبط داده‌ها است. دلیل استفاده از روش کیفی در مطالعه حاضر شناخت عمیق‌تر و جامع‌تر از موضوع مورد مطالعه بوده است.

در این تحقیق روش نمونه‌گیری به کاررفته ابتدا به صورت هدفمند بوده است. به این معنی که سرپرستان خانوارهایی که در شرایط فقر معیشتی قرار داشتند و تجربه بیکاری داشتند و در محلات نیز به عنوان افراد نیازمند شناخته می‌شدند به عنوان نمونه تعیین شدند. در ادامه نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری و تا آنجا که به داده جدید منتهی نشود، ادامه یافت.

به منظور تعیین حجم نمونه ابتدا از هر منطقه سه محله که دارای کمترین میزان توسعه‌یافتگی بودند، مشخص شد. سپس با مراجعه به مطلعان محلی و سازمان‌های فعال در محله‌های شهری مانند سازمان‌های خیریه و معاونت‌های فرهنگی شهرداری مناطق و سراهای محل، افراد واجد شرایط معرفی شدند و با کسب موافقت از آنان، اقدام به مصاحبه گردید. مکان مصاحبه یا در منازل مصاحبه‌شوندگان و یا سرای محلات شهرداری تهران و یا در دفاتر مؤسسات خیریه بوده است. برای انتخاب نمونه‌ای که معرف جامعه مورد مطالعه باشد، تلاش شد، حتی‌الامکان ترکیبی از شرایط سنی، جنسی، شغلی و تحصیلی و محل سکونت در محله‌های شهری لحاظ شود. همچنین با توجه به محدودیت‌های ناشی از کرونا، مصاحبه‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی انجام شد.

پس از انجام هر مصاحبه و یادداشت‌برداری از میدان تحقیق، نسبت به تنظیم یادداشت‌ها و نگارش محتوای مصاحبه‌ها اقدام شد. شایان‌ذکر است که برای استخراج و کدگذاری داده‌ها از روش دستی استفاده شد. بدین منظور در مرحله کدگذاری باز، ابتدا محتوای مصاحبه‌ها پیاده و چند بار مورد مطالعه و بازبینی واقع شد و مفاهیم با تحلیل سطر به سطر و جمله به جمله متن استخراج شد و در پی آن یادداشت‌های تحلیلی صورت گرفت. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط مفاهیم، خرده مقولات و مقولات با یکدیگر در چارچوب مدل پارادایمی تحقیق (شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) برقرار شد و سرانجام در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته یا مرکزی به عنوان طرد اجتماعی از بازار کار به دست آمد. این مقوله به گونه‌ای بود که تمام مفاهیم، خرده مقولات و مقولات اصلی را پوشش می‌داد. در جدول زیر نمونه‌ای از استخراج مفاهیم و مقولات نشان داده می‌شود.

جدول ۱- نشانه‌ها، مفاهیم و خرده مقولات فقر به مثابه ضعف سرمایه اقتصادی

خرده مقولات	مفاهیم	نشانه‌ها	ردیف
پیشینه فقر روستایی	فقدان زمین مسکونی	در روستامون هیچ زمینی نداشتیم هیچی که بخواهیم خونه‌ای توش درست کنیم یا بفروشیم بتونیم خونه‌ای بخریم.	۱
	فقدان زمین کافی	در شهرستان شش برادر بودیم با کشاورزی ناچیز و یک شهر دراندشت بدون درآمد کافی	۲
	فقدان مسکن روستایی	در روستامون بعد از ازدواج خونه نداشتیم حتی مادرشوهر هم نداشتیم که باش زندگی کنیم.	۳
تداوم فقر	مسکن نامناسب	در زمستان پلاستیک می‌انداختم روی خانه که آب بارون داخل نیاد ولی باران که می‌اومد تمام زندگی‌مان زیر آب می‌رفت.	۴
	فقدان سرمایه مالی	کسی تو شهرستان می‌تونه زندگی کنه که یا سرمایه و پولی داشته باشه ما هیچ کدوم رو نداشتیم.	۵
مهاجرت	تداوم فقر از روستا به شهر	از لحاظ زندگی در روستا هم وضعمون همین طور بود و مشکل داشتیم نه زمین داشتیم و نه کار درست و حسابی اینجا هم فقیریم.	۶
	بیکاری مزمین روستایی	روستامون اصلن کار نیست اگر از گرسنگی می‌مردم هم کار پیدا نمی‌شد.	۷
	فقر شدید روستایی	روستا اصلن هیچی نداشتیم نه کاری نه خونه که توش زندگی کنیم.	۸
	تعدد موالید	ما ۱۱ بچه بودیم هفت تا برادر و چهار تا خواهر و..	۹
	ناکافی بودن ارث	زمین کوچکی از بابامون به ارث رسیده.	۱۰
مهاجرت	مهاجرت برای کار	از بیکاری و بی‌آبی اومدیم تهران	۱۱
	فقر بین نسلی	پدرمون بنده خدا برای کار اومد تهران از وقتی اومدیم تهران وضعمون همین بود اولش هم فقیر بودیم الان هم فقیریم.	۱۲
	مهاجرت درمانی	پنج‌ساله تهران اومدیم به خاطر درمان کلیه‌ام شهرستان امکانش نبود به خاطر معالجه اومدم تهران	۱۳
	مهاجرت فصلی	مردم زمستان‌ها چون هیچ کاروکاسبی نیست میان تهران برای کار و از بهار تا آخر تابستان که می‌شه باغداری کرد برمی‌گردند.	۱۴

	مهاجرت قومی	در یافت‌آباد جنوبی اقوام ما از زندیه که در زمان کریم خان زند مهاجرت کرده‌اند و هنوز روابط قومی و خانوادگی دارند.	۱۵
	مهاجرت خانوادگی	بستگان شوهرم هشت تا برادر بودند همه شون اومدن تهران	۱۶
	جدایی سرپرست خانوار	شوهرم ده سال تهران کار می‌کرد و ما شهرستان بودیم بچه هام اصلن پدرشون نمی‌دیدند دلشون تنگ می‌شد برای خودم هم خیلی سخت بود.	۱۷
فقر مسکن شهری	مسکن مشترک	امروزه شاهد پدیده جدیدی هستیم و آن هم زندگی مشترک چند خانوار در یک منزل اجاره	۱۸
	استفاده مشترک از امکانات	به صورت مشترک از حمام همسایه استفاده می‌کردیم	۱۹
	مسکن فقدان امکانات	برای مدت زیادی در یک محیط کوچک بدون آب و برق و دست‌شویی زندگی می‌کردیم.	۲۰
	استفاده از امکانات عمومی	حتی حمام نداشتیم و برای حمام از استخر مجموعه ورزشی استفاده می‌کردیم. برق نداشتیم	۲۱
	اسکان در فضاهای عمومی	موقعی که برای درمان اومدم تهران به مدت اصلن جا نداشتیم و مجبور بودم شب‌ها تو پارک‌ها بخوابم.	۲۲
	مسکن فاقد ایمنی	این خونه هم که گرفتیم زیرش قنات بود به بار خونه نشست کرد تمام زندگی و وسایلمون از بین رفت.	۲۳
	مسکن فرسوده	این خانه‌ها از جمله خانه‌های ساخته‌شده توسط مالک گاوداری است و بیش از ۵۰ سال قدمت دارند.	۲۴
	مسکن نامناسب	یه زیر پله که اجاره کردیم ماهی پانصد تومن میدیم با سه تون پول پیش فقط یه اتاقه و هیچ دریچه‌های بیرون نداره.	۲۵

اعتبار و روایی

برای اطمینان از قابلیت اعتماد از سه تکنیک متعارف و مرسوم استفاده شد که عبارت‌اند از: نخست، کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در این روش از مشارکت کنندگان خواسته شد تا یافته‌های تحقیق را ارزیابی کرده و در مورد صحت آنها نظر دهند؛ دوم، مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و

ارزیابی گردد؛ سوم، استفاده از تکنیک ممیزی که در این زمینه، چند متخصص (شامل استادان) بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند. در خصوص رعایت اصول اخلاقی در پژوهش نیز باید گفت، ابتدا هدف تحقیق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و با کسب رضایت از آنان اقدام به مصاحبه و اصل محرمانه بودن اطلاعات رعایت شد.

یافته‌ها

مشخصات مشارکت‌کنندگان

در مجموع ۳۷ نفر از افراد واجد شرایط تا رسیدن با اشباع نظری در تحقیق مشارکت کردند. ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان در جدول ذیل آورده شده است. لازم به ذکر است مشارکت‌کنندگان در زمان تحقیق یا بیکار بوده و یا مشاغل پاره‌وقت و موقتی داشته‌اند و شرایط بیکاری را تجربه می‌کردند.

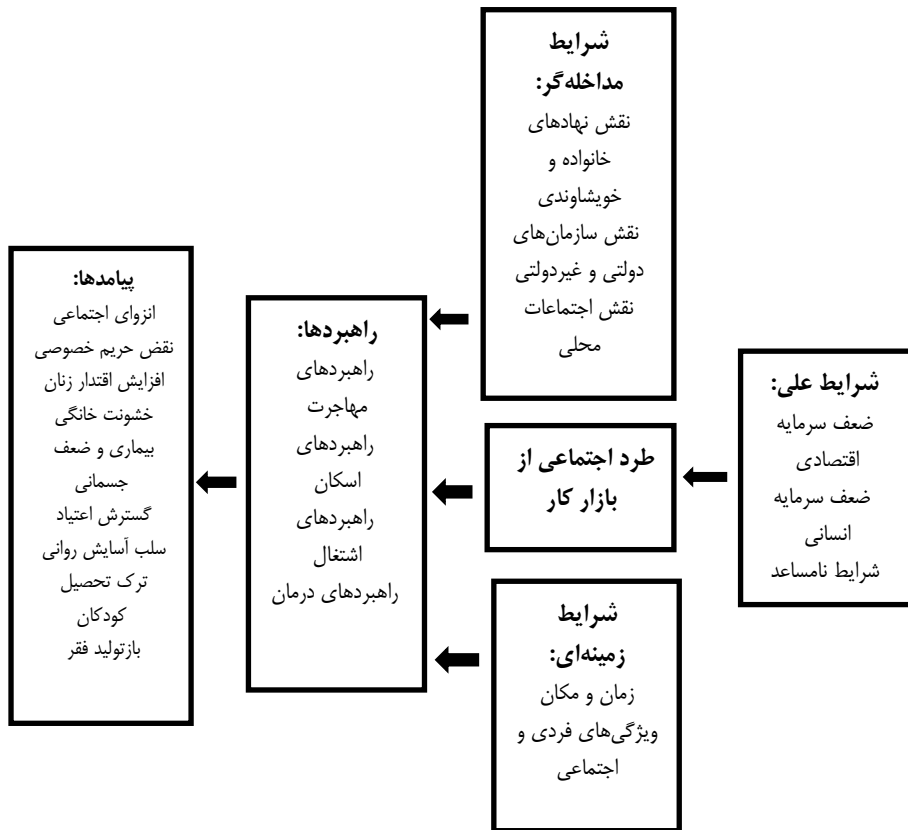
جدول ۲- مشخصات مشارکت‌کنندگان

جنسیت	زن	مرد	اشتغال	بیکار	شاغل موقت
	۲۱	۱۶		۱۴	۲۳
سن	۲۰-۳۰ سال	۳۱-۴۰ سال	۴۱-۵۰ سال	۵۱-۶۰ سال	۶۱ و بیشتر
	۴	۸	۱۱	۹	۵
تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	لیسانس
	۷	۹	۱۱	۸	۲
مدت اقامت	۵ سال و کمتر	۶ تا ۱۵ سال	۱۶ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ و بیشتر
	۵	۱۲	۹	۷	۴

مفاهیم و مقولات

پس از انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی، در مجموع ۱۵۰۰ نشانه، ۳۴۲ مفهوم، ۲۹ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی به دست آمد. مقولات اصلی عبارت‌اند از: ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اشتغال، آسیب‌های اجتماعی و انزوای اجتماعی. پس از استخراج مقولات اصلی در مرحله کدگذاری محوری ارتباط این مقولات با مفاهیم و خرده مقولات آنها در چارچوب مدل پارادایمی طراحی و بازنگری شده است. در مجموع در مرحله کدگذاری محوری پنج مدل بر اساس مقولات اصلی به دست آمد. سرانجام در مرحله کدگذاری گزینشی با تلفیق مدل‌های پیشین، مدل نهایی تحقیق به دست آمد و مقوله مرکزی با عنوان *طرد اجتماعی از بازار کار* ظاهر شد این مقوله چنان بود که بیشترین هم‌پوشانی با سایر مفاهیم و مقولات داشته است و مورد تأکید مشارکت‌کنندگان بوده است.

نظریه‌ای که از این طریق به دست آمد، با عنوان *طرد اجتماعی - اقتصادی از بازار کار* شناخته شد. توضیح اینکه *طرد اجتماعی از بازار کار*، همه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر بیکاری و اشتغال ناقص و غیرموثر را شامل می‌شود و منظور از بازار کار در اینجا، مقیاسی وسیع‌تر از بازار کار شهری است و جامعه روستایی را نیز دربرمی‌گیرد. در شکل زیر مدل نهایی تحقیق در چند محور شامل مقوله مرکزی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای نشان داده شده است. شرایط علی *طرد از بازار کار* شامل چهار مقوله عمده است که عبارت‌اند از: ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد اشتغال. این شرایط منجر به *طرد افراد* در بازار کار شده است. شرایط مداخله‌گر شامل نقش نهاد خانواده و خویشاوندی، نقش سازمان‌های رسمی و غیررسمی و اجتماعات محلی است. در این مدل راهبردهای فقرای شهری در چهار مقوله عمده مهاجرت، اشتغال، مسکن و درمان مطرح شده است.



شکل ۱- مدل پارادایمی طرد اجتماعی از بازار کار

راهبردها و پیامدها

در این مقاله به راهبردهای تهیدستان برای مقابله با فقر و طرد اجتماعی از بازار کار و پیامدهای آنها پرداخته می‌شود. راهبردها در تعامل با تلفیقی از شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای شکل می‌گیرند و کنش و واکنش‌هایی هستند که افراد به‌طور هدفمند و در موقعیت‌های خاصی در پاسخ به مسائل و موضوعات رخ داده، انجام می‌دهند و ممکن است، عادی و از قبل تعیین شده، یا پیش‌بینی‌ناپذیر و حتی درونی و در قالب گفتمان با خود یا به صورت فردی یا گروهی باشند. هر جا عمل یا تعاملی یا راهبردی شکل گیرد پیامدی

نیز به همراه خواهد داشت. برخی از این پیامدها خواسته و برخی ناخواسته‌اند (استراوس، کرین، ۱۳۹۸: ۱۵۵-۱۵۶).

راهبردهای تهیدستان شهری برای مقابله با فقر و طرد اجتماعی ابعاد متعددی داشته است که در این مبحث به مقولاتی شامل مهاجرت، اشتغال، مسکن و درمان پرداخته می‌شود. این راهبردها خود پیامدهای متعددی داشته است که در ادامه به تفکیک هر راهبرد پیامدهای آن نیز ذکر می‌شود. در اینجا لازم به ذکر است که در این مطالعه، فقر شهری در مقیاسی وسیع‌تر از محیط شهری و در ارتباط با محیط روستایی در نظر گرفته شده است. برای مثال برخی راهبردهای مهاجرت در گذشته و برخی در زمان تحقیق در حال انجام بوده است. در جدول زیر مفاهیم و مقولات بر اساس راهبردها و پیامدها آورده شده است.

جدول ۳- مفاهیم و مقولات طرد اجتماعی و اقتصادی از بازار کار (راهبردها و پیامدها)

مقولات	مفاهیم
مهاجرت	مهاجرت‌های فصلی، مهاجرت‌های گروهی (مهاجرت قومی، مهاجرت خانوادگی)، مهاجرت متناوب، مهاجرت معکوس، جدایی محل اسکان و اشتغال
اسکان	اسکان مشترک، مسکن نامناسب، استفاده از فضاهای عمومی برای اسکان، مسکن فرسوده و عدم دوام بنا، استفاده از مصالح نامرغوب، نامشخص بودن وضعیت مالکیت، ریزدانی، کمبود سطح زیربنا، اسکان در مکان‌های فاقد ایمنی اسکان در منازل غیربهداشتی، استفاده مشترک از امکانات شهری، گرانی مسکن، نقض حریم شخصی
اشتغال	بیکاری مزمن، بیکاری موقت، مشاغل موقت، مشاغل ناپایدار، کار کودکان، اشتغال زنان، کار طولانی مدت، کار طاقت‌فرسا، تعدد مشاغل پاره‌وقت، مشاغل سیاه، دستفروشی، فروشندگی دوره‌گرد، درآمد ناکافی، تخلف از مواد قرارداد، کار غیرقانونی
درمان	بیماری مزمن، معلولیت ارثی، بیماری ارثی، ازدواج خانوادگی، فروش سرمایه برای درمان، استفاده مشترک از دفترچه بیمه، قرض گرفتن، خوددرمانی، درمان خانگی، استفاده از مواد مخدر برای درمان، عدم پوشش بیمه، تعویق زمان درمان، قطع مصرف دارو، هزینه بالای درمان، مشکل تهیه دارو، مشکل دسترسی به پزشک، پول محوری در درمان

مهاجرت

تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که آهنگ مهاجرت از روستاها به شهرها از آهنگ ایجاد مشاغل شهری فراتر رفته است (تودارو، ۱۳۷۰: ۳۸۱). چنین روندی به بیکاری پنهان و آشکار مهاجران انجامیده است. همچنین در ادبیات توسعه رشد ناهماهنگ شهر و روستا و به عبارتی دیگر وجود تضاد و نابرابری اقتصادی-اجتماعی میان این دو فضاهای سکونتگاهی از عوامل عمده در بحث مهاجرت روستاییان به شهر قلمداد شده است (جلالیان و محمدی یگانه، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۹).

همچنین موضوع مهاجرت و تأثیر آن بر ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه شهری و به خصوص نهاد خانواده در اثر ماندگار توماس و زنانیکی با عنوان دهقان لهستانی در چارچوب مکتب شیکاگو مطالعه شده است. آنان دربارهٔ هویت فرهنگی و تغییر اجتماعی در جماعت مهاجر لهستانی در ایالات متحده مطالعاتی صورت داده‌اند و بر تأثیرات مخرب مهاجرت بر ابعاد مختلف اجتماعات و زندگی خانوادگی تأکید کردند. تامس تحقیقات خود را در موضوعاتی مانند مهاجرت، گروه‌های اقلیت قومی، زنان، و انحرافات اجتماعی از پیش از جنگ جهانی اول آغاز کرده بود (نقدی، ۱۳۹۲: ۲۹).

نتایج نشان می‌دهد مهاجرت همواره نقش عمده‌ای در گذشته و حال در زندگی تهیدستان شهری داشته است. بیکاری مزمن و نداشتن منبع درآمدی مکفی از دلایل عمده مهاجرت تهیدستان روستایی به شهر بوده است. در این زمینه اغلب قریب به اتفاق مشارکت کنندگان اظهار داشتند که به دلیل بیکاری و فقدان درآمد کافی و به‌طور کلی ضعف سرمایه اقتصادی به شهر تهران روی آورده‌اند:

«تهران فقط به خاطر کار هستیم در روستامون اصلن کار نبود اگر از گرسنگی

می‌مردم هم کار پیدا نمی‌شد (مرد ۳۷ ساله)».

و اینکه:

«روستامون کار نبود گفتیم بیاییم تهران شاید وضعمون بهتر بشه (زن ۲۰ ساله)

این مقوله خود شامل مفاهیم متعددی است مانند: مهاجرت‌های فصلی، مهاجرت‌های گروهی، مهاجرت متناوب و مهاجرت معکوس. مهاجرت فصلی یکی از ابعاد مهاجرت‌های

موقت قلمداد می‌شود که بنا به تغییر فصل و عدم امکان کار کشاورزی و دامداری به خصوص در مناطق سرد کوهستانی اتفاق افتاده است. فصلی بودن و تکرار شونده‌گی از ویژگی‌های این نوع مهاجرت است:

«در روستای ما (اطراف طالقان) مردم زمستان‌ها چون هیچ کاروکاسبی ندارند و میان تهران برای کار و از بهار تا آخر تابستان که می‌شه باغداری کرد برمی‌گردند» (مرد ۳۵ ساله).

مهاجرت گروهی در اشکال قومی و خانوادگی از دیگر اشکال مهاجرت ذکر شده که در گذشته اتفاق افتاده و تأثیر آن در بافت قومی محله‌های شهری مشهود است. در این زمینه در برخی از محلات جنوبی شهر تهران، اقوام مختلفی از مناطق مختلف کشور ساکن‌اند که در گذشته به تهران مهاجرت کرده‌اند و هنوز رابطه قومی و خویشاوندی با یکدیگر دارند:

«در یافت‌آباد جنوبی اقوام ما از زندیه که در زمان کریم خان زند مهاجرت کرده‌اند و هنوز روابط قومی و خانوادگی دارند زندگی می‌کنند» (مرد ۳۷ ساله).
و اینکه:

«همشهری هامون همه این محله (نوروزآباد) هستند از اول هم که اومدیم تهران اینجا ساکن شدیم» (زن ۵۵ سال).

برخی مهاجرت‌ها نیز به صورت خانوادگی اتفاق افتاده است که طی آن اعضای خانواده مانند فرزندان مهاجرت کرده‌اند:

«بستگان شوهرم هشت تا برادر بودند همه شون اومدن تهران» (زن ۶۵ سال).

رفت و آمد دائم یا موقت بین محل سکونت و محل کار از جمله راهبردهای مهاجران روستایی در شهرها برای مقابله با مشکلات معیشتی است. این راهبرد به دلیل هزینه‌های بالای زندگی در شهر تهران مانند هزینه مسکن اتخاذ شده است. به این صورت که سرپرست خانوار برای کار به شهر مراجعه کرده و هرازچندگاهی بین محل سکونت خانواده و محل کار رفت و آمد می‌کند. مشاهدات حاکی است در برخی موارد بعد از مدتی این رفت و آمدها سرانجام به اسکان دائم در شهر منتهی شده است.

«شوهرم ده سال تهران کار می‌کرد و ما شهرستان بودیم» (زن، ۵۵ ساله).

همچنین:

«چند سال بعد از ازدواجمان شوهرم می‌اومد تهران کار می‌کرد ما در روستا

پیش مادر شوهرم زندگی می‌کردیم» (زن ۳۷ ساله).

مهاجرت معکوس از دیگر اشکال مهاجرت بوده است. در این زمینه با توجه به شرایط دشوار معیشتی و هزینه بالای مسکن در شهر در برخی موارد مهاجران تازه‌وارد به شهر ناچار به بازگشت به شهر و دیار خود بوده‌اند:

«تعدادی از کوه‌دشت لرستان به مدت اوامده بودند یک سال موندند دیدند

کرایه خونه نمی‌تونستند برسوند برگشتن شهرستان» (مرد، ۴۰ ساله).

همچنین:

«پارسال یکی از فامیلامون از همدان اومد تهران با خانواده یک سال موند به

خاطر هزینه بالای مسکن ناچار شد برگردد به شهرستان» (مرد ۳۷ ساله).

مهاجرت پیامدهای متعددی برای افراد و خانوارها داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، ضعف روابط خانوادگی و خویشاوندی از پیامدها مهاجرت به شهر و جدا شدن از جامعه محلی است.

«قبلاً تو روستامون همه فامیل بودند اگر مشکلی پیش می‌ومد کمک می‌کردند

اما الان هرکی برای خودش کسی کاری به کسی نداره» (زن، ۳۷ ساله).

همچنین:

«تهران هم چند تا فامیل داریم ولی باشون رفت و آمدی نداریم محل

نمی‌زارن» (زن ۲۵ سال).

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد پس از مهاجرت پیوندهای خویشاوندی نیز تضعیف شده

و اقتصادمحوری و سودجویی حتی در روابط خویشاوندی بروز پیدا کرده است:

«۹ ساله که اومدم تهران تا حالا که جدا شدم بعدش دوباره رفتم شمال از

بستگانم خواستم کمکم کنند، دیدم حمایتی ندارم سرپناهی اونجا نداشتیم. برادرام

شهرستان کاری به ما ندارند حمایتی ازم نکردند» (زن ۳۸ ساله).

همچنین روابط طبقاتی در شهر که بر اساس معیارها و ارزش‌های اقتصادی قرار

داشته بر کاهش روابط خویشاوندی مؤثر بوده است:

«شوهرخواهرم نانوائی بربری شمال تهران داره وضعیتش خوبه اما خیلی از ما دور هستند و هیچ کمکی به ما نمی‌کنند حتی دنبال کار شوهرم نمی‌روند یه بار هم که وضعمون بهشون گفتیم نیومدن» (زن، ۳۷ سال).

همچنین:

«فامیلامون تهران هستند برادر شوهرم وضعیتش خوبه یک‌بار که خونه اش خالی بود و اجاره نداده بود هر چی گفتیم نداد به ما» (زن ۵۹ ساله).

اسکان

یکی از جلوه‌های بارز فقر شهری، مسکن نامناسب است. تهیدست شهری به دلیل فقدان سرمایه و درآمد کافی، به‌ناچار در مکان‌هایی سکنی گزیده‌اند که فاقد امکانات و استانداردهای معمول است. فقر مسکن شهری در بسیاری از تحقیقات به تفصیل بحث شده است (پیران، ۱۳۷۶؛ جواهری پور، ۱۳۹۴). این موضوع با توجه به افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرها از مشکلات حاد شهرها قلمداد می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که این مشکل به خصوص پس از ازدواج و زندگی مشترک افراد، بیشتر گریبان گیر زوجین شده است. مسکن مشترک یکی از راهبردهای حل این مشکل عنوان شده است که خود تبعات و مشکلات اجتماعی و روانشناختی متعددی به همراه داشته است.

این مقوله شامل مفاهیمی مانند اسکان مشترک، مسکن فاقد امکانات رفاهی و بهداشتی (مانند حمام و توالت، عدم برخورداری از زیرساخت‌های اساسی و انشعابات ضروری، عدم بهره‌مندی از امکانات گرمایی و سرمایشی) استفاده از فضاهای عمومی برای اسکان، مسکن فرسوده و عدم دوام بنا و استفاده از مصالح نامرغوب و بدون مشخص بودن وضعیت مالکیت، ریزدانی و کمبود سطح زیربنا، اسکان در مکان‌های فاقد ایمنی (مانند مسیر رودخانه، قنات و چاه و زیر دکل‌های برق، کنار خطوط راه‌آهن) به دلیل ارزان بودن آنها، اسکان در مکان‌های غیربهداشتی و دارای حیوانات و حشرات موزی و خانه‌های دارای رطوبت و غیره است.

در زمینه اسکان مشترک اظهارات مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که در برخی موارد چند خانوار با اجاره اتاقی واحد، اقدام به تفکیک آن با پرده یا مانعی نموده و مشترکاً از آن استفاده کرده‌اند.

«امروزه شاهد پدیده جدیدی هستیم و آن هم زندگی مشترک چند خانوار در یک منزل اجاره‌ای برای مثال ۳۰ متری که به اتاق پرده می‌کشند و دو خانواده در آن زندگی می‌کنند» (مرد، ۵۰ ساله).

مشارکت کننده دیگری نیز گفت:

«تهران که او مدیم هیچ جایی نداشتیم هزینه مسکن هم خیلی بالا بود نمی‌رسوندیم آخرش با یکی از همشهری هامون خونه ای تو یافت آباد اجاره کردیم تا دو سال مشترک استفاده می‌کردیم چاره‌ای نداشتیم» (مرد ۴۷ ساله).

استفاده مشترک از امکانات سکونت از دیگر راهبردهای تهیدستان شهری بوده است:

«خانه مون گازکشی نبود مجبور بودیم زمستان با بخاری نفتی خونه رو گرم کنیم. حمام نداشتیم به صورت مشترک از حمام همسایه استفاده می‌کردیم» (زن ۵۵ ساله).

همچنین:

«این اتاق ماهی پانصد هزار تومن اجاره کردیم سه تومن پول پیش حمام و دستشویی هم مشترک با صاحب خانه» (مرد، ۳۷ ساله).

همچنین سکونت در مناطق فاقد ایمنی از جمله راهبردهای ناگزیر بوده است.

«این خونه که گرفتیم زیرش قنات بود به بار خونه نشست کرد تمام زندگی و وسایلمون از بین رفت» (مرد ۶۵ ساله).

استفاده از فضاهای عمومی برای سکونت و رفع نیازهای بهداشتی از موارد مطرح شده بوده است. این شیوه به خصوص در بدو ورود به شهر مورد استفاده برخی تهیدستان قرار گرفته است:

«برای مدت زیادی در یک محیط کوچک بدون آب و برق و دستشویی زندگی می‌کردیم. حتی حمام نداشتیم و برای حمام از استخر مجموعه ورزشی

استفاده می‌کردیم. برق نداشتیم و با کشیدن یک سیم برق از همسایه روشنایی خانه را تأمین می‌کردیم» (مرد ۴۷ ساله).

همچنین:

«موقعی که برای درمان اوادم تهران یه مدت اصلن جا نداشتم مجبور بودم شب‌ها تو پارک‌ها بخوابم» (زن، ۲۵ ساله).

در این زمینه اسکان در برخی مواقع به صورت چادر زدن در کنار پارک‌ها و بزرگراه‌ها و معابر عمومی بوده است.

«در این محله تعدادی هستند که کارشون جمع‌آوری زباله است و با زدن چادر به صورت مشترک زندگی می‌کنند» (مرد ۳۵ ساله).

اسکان نامناسب پیامدهای متعددی داشته است، مانند نقض حریم شخصی که در اثر سکونت در محیط‌های شلوغ و پرازدحام و سکونت در منزل مشترک ایجاد شده، تشدید بیماری و بروز بیماری‌های ناشی از سکونت در محیط‌های غیربهداشتی و شیوع بیماری‌هایی مانند روماتیسم و بیماری‌های پوستی. همچنین بروز تنش بین ساکنان که موجب سلب آسایش روانی افراد شده است.

اشتغال

اشتغال تهیدستان شهری اغلب با ویژگی‌هایی از قبیل غیررسمی، موقتی، کاذب، خدماتی سطح پایین، بی‌ثبات و آسیب‌پذیر در مقابل مخاطرات و درآمد اندک توصیف شده است (راتن^۱، ۱۹۹۵؛ دوسوتو^۲، ۱۳۸۶، ناریان^۳ و همکاران، ۱۳۹۰، چمبرز^۴، ۱۹۸۹). یکی از وجوه مهم کار و اشتغال فقرای شهری غیررسمی بودن است. اقتصاد غیررسمی در مقابل اقتصاد رسمی قرار دارد. این اصطلاح اولین بار توسط هارت در دهه ۱۹۷۰ به دنبال

-
1. Wratten
 2. Dosoto
 3. Narayan
 4. Chambers

مهاجرت روستاییان به شهرها و محدود شدن قدرت جذب نیروی کار در بخش صنعت در اقتصادهای درحال توسعه به کار گرفته شد. بسیاری از مهاجران به ناچار در بخش‌های غیررسمی مشغول کار هستند که شرایط نامطلوب و درآمد اندک و بی ثبات دارند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۱۵۶). در عام‌ترین تعریف بخش غیررسمی هرگونه فعالیت اقتصادی و یا منبع درآمدی است که در معرض مقررات دولتی و مالیاتی و یا مشاهده قرار نمی‌گیرند. مزومدر^۱ (۱۹۷۶) بخش غیررسمی را برخلاف بخش رسمی که از حمایت‌های قانونی برخوردار است، از قوانین تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، و قوانین کار محروم می‌داند (بختیاری و خوب‌خواهی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در نتیجه، غیررسمی بودن اشتغال فقرای شهری، به آسیب‌پذیری بالا در مقابل مخاطرات اقتصادی و طرد از بازار کار منجر می‌شود. با این وجود بخش غیررسمی به اشتغال منحصر نمی‌شود، بلکه در همه ابعاد زندگی فقرای شهری کم و بیش جریان داشته است. مانند مسکن، آموزش، بهداشت و درمان.

اشتغال ناقص به عنوان مقوله اصلی شامل انواع اشتغال موقت و غیررسمی، مشاغل کاذب مانند خرید و فروش اجناس به‌طور دوره‌گرد و دستفروشی و اشتغال زنان در مشاغل خانگی کم‌بازده و کار کودکان است. اشتغال ناقص در شرایطی که مهاجران فقیر روستایی قادر به جذب در بازار کار رسمی شهری نیستند، مهم‌ترین راهبرد آنان برای معیشت در کلان‌شهری مانند تهران بوده است. مشاهدات حاکی است که این نوع اشتغال مستلزم استفاده از هرگونه فرصت برای کسب درآمد پولی در شهر است و اغلب خانوارهای تهیدست شهری ناچار به کارگیری همه منابع اعم از سرمایه‌های جسمی و انسانی و اجتماعی خود برای اشتغال حداکثری اعضای خانوار مانند کار کودکان و زنان هرچند به‌طور ناقص هستند. با توجه به ناکافی بودن درآمد در این نوع مشاغل، یکی از راهبردهای تهیدستان اشتغال حداکثری اعضای خانوار است:

«هم خودم هم دخترم کار می‌کنیم دخترم دیگه مدرسه نرفت رفوگری
می‌کنه خودمم هم خیاطی می‌کنم پسر هم ۱۲ سالشه میره جمع‌آوری زباله،
صبح می‌ره شب میاد» (زن ۳۵ ساله).

همچنین:

«خودم هم بافندگی می‌کنم بیرون هم برای رستوران آشپزی می‌کنم تا زندگی مون بچرخه» (زن ۴۰ ساله).

همچنین

«خودم چند جا کار می‌کنم صبح میام اینجا برای نظافت بعدازظهر هم میرم تو قطعه‌سازی خودرو کار می‌کنم تا حداقل خرج کرایه خونه مون دربیاد» (زن ۲۷ ساله).
از جمله راهبردهای بکار گرفته‌شده افزایش ساعات کار و تعدد مشاغل برای جبران هزینه‌ها است:

«چند سال تو خشک‌شویی کار کردم بعدازظهر هم یه کار نگهداری گرفتم صبح تا شب می‌دویدم. اینا همش چیزی نمی‌شد بازم هشتمون گرو نهمون بود» (مرد ۵۴ ساله).

همچنین:

«پسرم صبح ساعت ۵ میره بازار، کارگر کارگاه کفاشیه و کارش قالب زدن کفشه تا شب که ساعت ده میاد خونه» (زن ۵۵ ساله).
از پیامدهای چنین راهبردهایی دوری از محیط خانواده و کاهش ارتباط والدین با کودکان است که خود تأثیر منفی در رشد کودکان دارد:
«شوهرم مدت پانزده سال حتی پنجشنبه جمعه‌ها هم وای میستاد نونوایی خونه نمی‌اومد هر دو هفته یک‌بار می‌اومد خونه بچه‌ها نمی‌دیدنش» (زن، ۴۵ ساله).
همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد اشتغال در بازار کار شهری همواره بر اساس تخصص، مهارت و آموزش نبوده است. بلکه شبکه‌های اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی نقش داشته است. یکی از راهبردها در این زمینه استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بدو ورود به شهر برای کسب مشاغل است:

«شهرستان که بودیم هیچ کار درست و حسابی نداشتیم پسرم دیپلمش گرفته بود کار برایش پیدا نمی‌شد تا اینکه به دایی‌اش که تو تهران زندگی می‌کرد گفتیم اونم برایش تو شرکت بگناه کار گیر آورد» (زن ۴۷ ساله).

همچنین برخی مشارکت کنندگان فقدان شبکه اجتماعی را در عدم اشتغال خود مؤثر

دانسته‌اند:

«کار هم آشنا و پارتی می‌خواد ما هم کسی را تهران نداریم» (زن ۲۵ ساله).

کار کودکان پیامدهای متعددی به همراه داشته است. یکی از پیامدها بازماندن آنان از تحصیل و خروج از محیط آموزشی است که به تداوم فقر را در نسل‌های بعدی می‌انجامد:

«پسرم تا سیکل درس خوانده باباش که مریض شد دیگه نتونست بره مدرسه از

۱۶ سالگی تو شهر بازی کار می‌کرد تا خرج خونه بده» (زن ۶۰ ساله، شادآباد).

نیاز خانوار به کار کودکان به ویژه در دوران بیماری همه‌گیر کرونا که خانوار با کاهش درآمد در اثر تعطیلی مشاغل روبرو بوده‌اند و از طرف دیگر کاهش حضور فیزیکی در مدرسه و نداشتن ابزار ارتباطی مناسب برای برخورداری از آموزش مجازی به خروج فرزندان خانوارهای تهی‌دست از آموزش رسمی منجر شده است:

«پسرم می‌خواستم بیرمش سرکار رفتم با مدرسه صحبت کردم گفتم مدرسه

نیاد که قبول نکردند تلویزیون برامون آوردند که بازم ناچار شدم به خاطر خرج

بیرمش سرکار» (زن، ۵۵ ساله).

از طرف دیگر کار کودکان خود پیامد از کارافتادگی سرپرست خانوار است که آن هم ناشی از شرایط کاری نامساعد و زیان‌بار بوده است. با از کارافتادگی سرپرست خانوار، کار کودکان تنها گزینه خانوارها در بسیاری مواقع بوده است:

«بعد از اینکه شوهرم بیکار شد و ناراحتی اعصاب گرفت پسرم فرستادم سرکار

تو یه شهر بازی مشغول شد» (زن ۶۰ ساله).

در نتیجه کار کودکان گرچه به عنوان یک راهبرد مطرح می‌شود، اما خود پیامد شرایط نامساعد اشتغال سرپرست خانوار و طرد آنان از بازار کار است. در این زمینه سلسله‌مراتب و علل فقر، چرخه فقر را تقویت و تکمیل می‌کنند و به بازتولید آن می‌انجامند.

همچنین اشتغال زنان در خارج از خانه از جمله راهبردهای کسب درآمد و گذران معیشت خانوارهای تهیدست بوده است. در جامعه شهری به‌طور سنتی کار بیرون از خانه بر عهده مردان سرپرست خانوار بوده است. اما در مورد فقرای شهری عواملی مانند بیکاری مردان و فقدان درآمد کافی و هزینه‌های بالای زندگی در کلان‌شهرها، زنان را به اشتغال در خارج از خانه سوق داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با خارج شدن مردان سرپرست خانوار از بازار کار به دلایلی مانند آسیب دیدگی جسمی و ذهنی، اعتیاد و ترک منزل، بسیاری از زنان وظیفه نان‌آوری و امرار معاش خانواده برعهده گرفته‌اند.

«شوهرم که فوت کرد هم خودم هم دخترم کار می‌کنیم دخترم دیگه مدرسه نرفت رفوگری می‌کنه خودمم هم خیاطی می‌کنم پسر هم ۱۲ سالشه، میره جمع‌آوری زباله صبح میره شب میاد» (زن ۳۵ ساله).

همچنین:

«خودم هم بافندگی می‌کنم بیرون هم برای رستوران آشپزی می‌کنم تا زندگی مون بچرخه» (زن ۴۰ ساله).

اشتغال زنان ضمن اینکه تا حدودی استقلال اقتصادی و اقتدار زنان در خانه را برای آنان به ارمغان داشته، اما سبب تعارض نقش‌ها و بعضاً خشونت خانگی نیز شده است. خشونت خانگی از جهات متعدد قابل مطالعه است. از جمله این پیامدها تغییر در نقش‌های خانوادگی است. در این میان بیکاری و درآمد ناکافی سرپرستان مرد خانوار موجب شده زنان نقش بیشتری در امرار معاش خانوار بر عهده گیرند و از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار شوند. ناتوانی مردان در تأمین معاش خانواده موجب سرافکندگی آنان شده است و زمینه بروز تنش و خشونت در روابط خانوادگی را فراهم کرده است. خشونت خانگی ابعاد متعدد فیزیکی، کلامی، عاطفی داشته است.

«تو روستا به روز با پسر می‌خواستیم بریم سرکار دیدم شوهرم بلند شد فکر کردم می‌خواد با ما بیاد سرکار، اما شیشه آب یخ زده برداشت طرفم پرت کرد پسر دستش برد جلو که نداره به من بخوره که بطری آب خورد به دست بعد خورد به سر من» (زن ۴۵ ساله).

همچنین از دست دادن کار و شغل مردان سرپرست خانوار موجب وارد شدن فشار عصبی و روانی زیادی به خانواده و خشونت خانگی شده است:

«بعد از اینکه شوهرم کارش از دست داد مریض شد ناراحتی عصبی گرفت ...
با من درگیر می شد منو می زد اذیتم می کرد» (زن، ۶۰ ساله).

همچنین خشونت کلامی از دیگر مفاهیم مطرح شده است. ناتوانی در تأمین هزینه رسومات اجتماعی مانند جهیزیه برای زنان از علل خشونت کلامی عنوان شده است:

«هر وقت با شوهرم بحثمون میشه نداشتن جهیزیه مناسب رو به رخ می کشه
میگه تو چیزی نداشتی» (زن ۳۵ ساله)

همچنین:

«خودم به خاطر نداشتن جهیزیه مناسب طعنه و سرکوفت از همسر و اطرافیان
زیاد شنیدم نمیخوام دخترم همین راه را بره» (زن، ۵۵ ساله).

درمان

سرمایه انسانی در رویکرد توسعه انسانی اهمیت محوری دارد و در رویکرد فقر قابلیتی توسط امارتیا سن (۲۰۰۰) نیز بر آن تأکید شده است. سرمایه انسانی دارای ابعادی از قبیل آموزش و تحصیلات، مهارت و تخصص، بهداشت و درمان است. هر یک از این ابعاد با ارتقای نیروی کار، سبب انباشت سرمایه انسانی و متعاقب آن، افزایش رشد اقتصادی می شود. نکته اساسی آن است که ابعاد سرمایه انسانی ارتباط متقابل و نزدیکی با یکدیگر دارند. بنابراین ضعف جسمانی و فقدان آموزش و مهارت تواما به خروج از بازار کار منتهی می شوند. جسم و بدن مهم ترین سرمایه فقرای شهری بوده اما یافته ها نشان می دهد، این سرمایه متأثر از فقر و طرد اجتماعی دچار آسیب شده است. تهیدست شهری به منظور حفظ سلامتی و درمان خود در شهر راهبردهای متعددی به کار گرفته اند. این راهبردها با توجه به ضعف سرمایه اقتصادی و مالی در بسیاری مواقع خارج از روش های رسمی مانند مراجعه به مراکز درمانی و پزشک انجام گرفته است. خوددرمانی، درمان های سنتی، درمان های خانگی، استفاده از مواد مخدر مواردی از این میان است. خوددرمانی و استفاده از داروهای سنتی و خانگی خود متأثر از ضعف سرمایه مالی برای مراجعه به مراکز درمانی است.

«وقتی مریض می‌شویم بعضی وقت‌ها مجبوریم به قرصی چیزی از داروخانه بگیریم بخوریم» (زن ۳۷ ساله).

همچنین:

«وقتی مریض می‌شویم با داروهای خونگی درمان می‌کنیم هزینه‌های دکتر خیلی بالاست و سمون نمی‌کشد» (زن ۵۴ ساله).

همچنین از روش‌هایی که توسط برخی تهیدستان شهری برای درمان و جبران ضعف جسمانی به کار گرفته شده، استفاده از مواد مخدر برای درمان و جبران ضعف جسمانی و تسکین درد است. یکی از پیامدهای چنین راهبردی، گسترش اعتیاد و سرایت مصرف مواد مخدر به دیگر اعضای خانواده و اطرافیان است:

«تو روستامون مادر شوهرم سرطان داشت شوهرم برای مادرش تریاک می‌خرید که خوب بشه بعد مادرش که می‌کشید به پسرش هم می‌داد ۵ تا پسر داشت به هر پنج پسرش می‌داد و شوهرم هم تریاکی شد شیره درست می‌کرد می‌کشید» (زن ۴۹ سال).

همچنین:

«۳ سال آقامون در شهرداری سرکار رفت چون ناراحتی اعصاب داشت بهش گفتند تریاک بکش برات خوبه اونم ساده است باور کرد و معتاد شد» (زن ۶۵ ساله)

همچنین:

«شوهرم برای جمع‌آوری زباله می‌رفت بهش شیشه می‌دادن می‌کشید، بدنش داغ می‌کرد و حالیش نبود برایش کار کردن راحت تر بود» (زن ۵۵ ساله).

تأمین هزینه‌های درمان از دغدغه‌های اصلی تهیدستان شهری بوده است. بدین منظور راهبردهای متعددی پیش گرفته‌اند. مانند: فروش اسباب و وسایل منزل، قرض گرفتن پول از خویشاوندان، استفاده مشترک از دفترچه بیمه، مراجعه به درمانگاه‌های خیریه و استفاده از احسان در درمان. در این زمینه فروش سرمایه‌های اقتصادی مانند لوازم منزل به ویژه وقتی بکار گرفته شده که افراد به بیماری‌های صعب‌العلاج مبتلا شوند. پیامد چنین راهبردی فقر بیشتر خانوار بوده است:

«سال ۹۲ حدود ۲۸ میلیون تومان از جیب خودمان هزینه درمان کردم و هرچی دار و ندارم بود فروختیم و خرج عمل کلیه‌ام کردیم دیگه چیزی برامون نموند» (زن ۲۷ ساله).

همچنین:

«پسرم بیماری خاصی داشت چند جا بردیمش دکتر گفتند باید عمل کنه مجبور شدیم هرچی پول و پس‌انداز و وسیله داشتیم بفروشیم» (مرد، ۶۲ ساله).
همچنین قرض گرفتن از خویشاوندان از روش‌های تأمین هزینه‌های درمان بوده است:
«برای درمان پاهایم ناچار شدم از دامادمون پول قرض بگیرم» (مرد ۴۵ ساله)
و اینکه:

«شوهرم که مریض شد نتونستیم بیمارستان بستری کنیم تا اینکه داداشم چند تومن بهمون پول قرض داد بعد بهش پس دادیم» (زن ۳۷ ساله).

همچنین فقدان منابع مالی و عدم شناخت لازم برای درمان و مراقبت‌های بهداشتی و از طرفی دیگر اتکا به روش‌های درمانی خانگی و سنتی پیامدهای متعددی برای افراد داشته است. خودداری از درمان به تداوم یا تشدید بیماری انجامیده است. همچنین بیماری‌های ارثی و ژنتیکی به دلایل متعدد در جامعه وجود داشته است. در این میان ازدواج‌های خویشاوندی و درون‌گروهی و عدم انجام آزمایش‌های قبل از ازدواج و عدم آگاهی و شناخت کافی از مراقبت‌های درمانی قبل و حین بارداری و غیره به تداوم بیماری و معلولیت منجر شده است:

«باجنایم تهران هست ۸ تا بچه داشت سه تاشون ناشنوا هستند اونای که شنوا هم هستند یکیش پایش می‌لنگه یکی از دختراش که ناشنواست ازدواج کرده شوهرش هم ناشنواست اون وقت دو تا بچه داره که یکیش ناشنواست» (مرد ۶۵).

همچنین:

«خودم مشکل قلبی دارم قبل از ازدواج هم این‌طور بودم الان هم دخترم ۹ سالشه این‌طوره بردیمش دکتر گفت ارثیه» (زن ۳۷ ساله).

همچنین ناآگاهی و فقدان مراقبت‌های پزشکی قبل از ازدواج و فرزندآوری به معلولیت و بیماری‌های ارثی منتهی شده است:

«پدرم با دختر خاله‌اش ازدواج کرد دختر خاله‌اش مشکل ذهنی داشته پنج تا بچه هم پشت سرهم آورد همشون معلول ذهنی هستند در اثر ازدواج‌های درون گروهی بیماری‌های ارثی و معلولیت اتفاق افتاده است نمی‌دونستند اون موقع آزمایش و این چیزا نبوده» (مرد ۳۵ ساله).

همچنین هزینه‌های بالای درمان به عدم مراجعه به مراکز درمانی و خودداری از درمان منجر شده است.

«یه بار بچه‌ام تب کرد پول نداشتم ببرمش دکتر مجبور شدم تو خونه بمونم» (مرد ۵۶ ساله). همچنین: «چشمم آب آورده وسع ندارم که عمل کنم مجبورم تحمل کنم» (مرد ۶۵).

همچنین:

«تو بیمارستان برای بچه‌دار شدن دکتر میگن باید آی وی اف کنی که هزینه‌اش خیلی بالاست و نمی‌تونیم جور کنیم زورمون نمی‌رسه مجبورم بی‌خیال بشم» (زن ۲۵ ساله).

همچنین یکی دیگر از پیامدهای ضعف سرمایه اقتصادی و مالی تعویق زمان درمان است که به تداوم بیماری انجامیده است.

«مدت‌هاست که می‌خوام عمل کنم پول ندارم مجبورم صبر کنم شاید بعداً بتونم عمل کنم» (زن ۴۵ ساله).

همچنین تهیدستان در بسیاری مواقع ناچار به انتخاب‌های سخت بوده‌اند. انتخاب بین درمان یا تأمین هزینه رسوم اجتماعی از این موارد است. در این زمینه مشارکت‌کننده دیگری گفت:

«دیسک کمر دارم دکتر گفتن بهتره عمل کنم اما فعلاً دخترم می‌خواد ازدواج کنه پول جهیزیه‌اش باید جور کنم تا بعداً ببینم چی میشه» (زن ۵۵ ساله).

همچنین مراجعه دیرنگام خود به مراکز درمانی به آسیب شدید جسمی و پیشرفت بیماری منتهی شده به گونه‌ای که درمان را سخت یا ناممکن کرده است.

«۱۵ سال اصلن دکنتر نرفتم هیچ وقت هم نرفتم آزمایش بدم تا الان که پاهایم

تو این وضع افتاده هر دو پام عفونت کرده» (مرد ۵۵ ساله).

برخی مشارکت کنندگان نیز در پی مصرف طولانی مدت دارو و هزینه‌های بالای درمان، روند درمان و مصرف دارو را قطع کرده بودند که به تشدید بیماری و فوت منجر شده بود:

«همسرم ۱۵ سال دارو مصرف می‌کرد بیماری سرطان حنجره داشت یک ماه

داروش رو قطع کرد دیگه خسته شده بود، ۵۷ سالگی فوت کرد» (زن ۶۵ ساله).

و اینکه:

«حوصله دیالیز و این‌ها ندارم به خاطر اینکه بدنم ورم کرده دیگه جان ندارم

دیگه بی‌خیال درمون شدم» (زن ۳۵ سال)

نتیجه‌گیری

در این مقاله راهبردهای تهیدستان شهری در مواجهه با طرد از بازار کار در چهار مقوله مهاجرت، اسکان، اشتغال و درمان بیان شده است. این راهبردها متأثر از ضعف سرمایه اقتصادی و انسانی آنها و شرایط نامساعد اشتغال و دیگر شرایط و زمینه‌های مؤثر بر طرد اجتماعی آنها شکل گرفته است. این راهبردها که برای تطبیق با شرایط دشوار معیشتی شکل گرفته، پیامدهای متعددی به همراه داشته است. شرایط نامساعد سکونت به نقض حریم شخصی و بروز تنش در روابط همسایگی انجامیده است. اشتغال کودکان به خروج آنها از محیط آموزش رسمی و نهایتاً تداوم فقر منجر شده است. اشتغال زنان که به دنبال خروج سرپرستان خانوار از کارشده به استقلال و اقتدار زنان در خانه انجامیده است.

برخی راهبردهایی که در عمل و تعامل با شرایط علی و مداخله‌گر و زمینه‌ای شکل گرفته بعضاً به تداوم فقر بین نسلی منتهی شده است. با این وجود در بسیاری مواقع نیز خانواده‌های تهیدست وضعیت بهتری را نسبت به شرایط دشوار معیشتی خود در مبدأ مهاجرت تجربه کرده‌اند و در موارد نیز در رهایی از فقر موفق بوده‌اند.

همچنین مطالعه حاضر نشان می‌دهد پدیده فقر شهری در تهران در ارتباط نزدیک با فقر روستایی در مناطق پیرامونی و مهاجر فرست قرار دارد. همان‌گونه که در چارچوب مفهومی مطرح شد و صاحب‌نظرانی مانند راتن تأکید کرده‌اند فقر شهری در کشورهای درحال توسعه مانند ایران ارتباط زیادی با فقر روستایی و فقر در شهرهای کوچک دارد. مشاهدات محققان نیز نشان می‌دهد اغلب قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان منشأ فقر روستایی داشته‌اند، که وجه بارز آن فقدان اشتغال و منبع درآمد مناسب بوده است و بنا به گفته و تأکید ایشان به همین دلیل نیز ناچار به مهاجرت به شهر تهران شده‌اند.

جاذبه‌های شهر تهران مانند امکانات درمانی و بازار گسترده مشاغل غیررسمی و حتی کاهش فشار سنت‌ها و فردگرایی در گرایش آنها به مهاجرت به شهر تأثیر داشته است. با این وجود بازار کار شهری برای این دسته مهاجران تهی دست که فاقد سرمایه اقتصادی و انسانی کافی بوده‌اند سرشار از ناامنی و مخاطرات متعدد بوده که چه بسا به خروج آنها از بازار کار و فقر مزمن انجامیده است.

مطالعه پیش رو که با روش کیفی در چارچوب نظریه زمینه‌ای استراوس و کوربین انجام شده، بر اساس داده‌های میدانی و اظهارات مشارکت‌کنندگان نظریه‌پرد اجتماعی از بازار کار برای توضیح و تبیین فقر شهری در مناطق سه‌گانه مورد بررسی پدیدار شد. طبق این نظریه پدیده فقر شهری در این مناطق شهری مورد بررسی نه بر اساس قومیت و نژاد آن گونه که در کشورهایی مانند آمریکا توجیه می‌شود بلکه بر اساس شرایط طرد از بازار کار و در مقیاسی فراتر از محیط شهری که شامل جامعه روستایی و نقاط پیرامونی می‌شود، تبیین می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، عدم اشتغال مناسب نقش کلیدی در تجربه زیسته تهیدستان و در به حاشیه راندن گروه‌های فقیر شهری از جریان غالب حیات اقتصادی و اجتماعی دارد. کار و اشتغال از آن جهت برای تهیدستان شهری اهمیت محوری دارد که نیروی کار ارزان تنها مزیت آنان در بازار کار شهری است. با این وجود مهارت آنان در تعادل بخشیدن بین هزینه‌ها و درآمدها در ابعاد مختلف اسکان، درمان و اشتغال سبب شده که

نسبت به شرایط دشوار معیشتی در روستا شرایط مساعدتری را تجربه کنند، و با وجود همه مشکلاتی که شهر برای آنان به دنبال داشته است، غالباً ماندن در شهر و مبارزه برای گذران زندگی را بر بازگشت به روستای خود ترجیح دهند. آنان صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی خود و نه سرمایه اقتصادی پا به میدان شهری گذاشته‌اند. سرمایه‌هایی که چه بسا در شرایط دشوار اشتغال و سکونت در شهر با آسیب‌های متعددی روبرو بوده است. حضور در شهر خطرات متعددی برای آنان به همراه داشته و چه بسا که در این میدان موفق بوده یا شکست خورده باشند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد، یکی از ابعاد طرد فقرای شهری، طرد از بازار کار رسمی است. اشتغال رسمی در مقیاس کلی با چالش‌های متعددی در ایران روبرو بوده است، از جمله: نرخ بالای رشد جمعیت در دهه‌های قبل، که متأثر از آن پدیده جوانی جمعیت روی داده است و افزایش نرخ مشارکت زنان، مهاجرت‌های روستایی به شهرها همراه با مشکلات نهادی مانند: تورم، بیکاری، بوروکراسی ناکارآمد و افزایش تقاضای نیروی کار، همگی سبب شده بسیاری از متقاضیان و عرضه‌کنندگان نیروی کار به سمت فعالیت در بازار غیررسمی گرایش پیدا کنند. غیررسمی بودن و حاشیه‌نشینی در تمام ابعاد زندگی روزمره تهی‌دستان جریان داشته است و زمینه به حاشیه راندن مهاجران تهیدست روستایی از حیات شهری را فراهم کرده است.

در نهایت باید گفت طرد اجتماعی صرفاً به محیط‌های خرد منحصر نمی‌شود، بلکه به ساخت‌ها و فرایندهای کلان هم مربوط می‌شود. از این رو، با مراجعه به محیط‌های خرد از طریق تحقیقات کیفی جزء نگر، تأثیر فرایندهای کلان را نیز می‌توان مشاهده کرد. در بُعد کلان روند توسعه و رشد شتابان شهرنشینی سریع، موجب مهاجرت گسترده روستاییان فاقد زمین و کار به شهرها شده و بازار کار شهری را با فشار مضاعفی روبرو کرده است. عدم وجود زیرساخت‌ها و فرصت‌های کار و اشتغال مناسب، سبب شده بسیاری از مهاجران به شهرها، در حاشیه شهرها و در وضعیت فقر معیشتی زندگی کنند و انواع طرد اجتماعی را در زیست روزمره خود تجربه کنند.

همچنین باید گفت نوع توسعه به کاررفته در کشور که موجب رشد بی‌رویه شهرها و خالی شدن روستاها از نیروی انسانی شده، به انتقال فقر از روستا به شهر انجامیده است، به گونه‌ای که تراکم فقر را در حاشیه شهرها موجب شده است. بنابراین ضروری است در الگوهای توسعه تجدیدنظر شود. توجه به توسعه متوازن روستا و شهر و ایجاد زمینه‌های کار و اشتغال در روستاها می‌تواند به کاهش مهاجرت به شهرها و به تبع کاهش فقر شهری کمک کند. در این زمینه تأکید بر جمعیت فقیر روستایی اهمیت زیادی می‌یابد.

همچنین یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد، فقرای شهری در مناطق مورد مطالعه اغلب منشأ روستایی داشته‌اند و در خاستگاه خود نیز فقر مزمن روستایی را تجربه کرده‌اند و این فقر آن‌چنان شدید بوده که آنان را ناچار به مهاجرت به شهر کرده است. بنابراین مسئله اشتغال شهری را نمی‌توان صرفاً در چارچوب شهری حل کرد، بلکه باید با توسعه اشتغال روستایی انگیزه مهاجرت به شهر را با یک انتخاب عقلانی کاهش داد. در همین راستا باید گفت توسعه متوازن و تقسیم عادلانه ثروت به چیزی بیش از سیاست‌های محلی نیاز دارد و مستلزم تعهد ملی در برقراری عدالت و برابری در برنامه‌های توسعه است. در سیاست‌گذاری کاهش فقر لازم است جامعه روستایی و شهری توأماً در نظر گرفته شوند.

پیشنهاد‌های اجرایی

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. توسعه متوازن بین شهر و روستا و توجه به توسعه روستایی و اشتغال در روستاها و مناطق پیرامونی؛
۲. تدوین و اجرای مقرراتی برای محدود ساختن مهاجرت به شهرها هم‌زمان با ایجاد فرصت‌های شغلی برای فقرای روستایی و افزایش درآمد آنان؛
۳. تقویت حمایت‌های رسمی از قبیل بیمه‌های اجتماعی، وام‌های کم‌بهره در زمینه کار و اشتغال و درمان؛
۴. طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی و مهارتی متناسب با بازار کار شهری در مراکز خدماتی شهرداری تهران مانند سراهای محل و مؤسسات خیریه؛

۵. متناسب سازی آموزش رسمی مدرسه‌ای با توجه به نیازهای بازار کار و انتقال مهارت‌های مورد نیاز به دانش آموزان خانوارهای تهیدست؛
 ۶. ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی توسط سازمان‌های ذی ربط به منظور افزایش سطح آگاهی گروه‌های محروم در زمینه‌های حقوقی، بهداشتی، تنظیم خانواده، محیط شهری و غیره؛
 ۷. توسعه بنگاه‌های کارآفرین خصوصی و شرکت‌های تعاونی و حمایت از کارگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی؛
 ۸. پرداخت وام‌های خرد و تأمین مالی از طریق تشکیل گروه‌های میانجی بین فرد و سازمان‌های دولتی و رسمی به منظور حمایت از افراد و تضمین بازگشت وام‌های پرداخت شده؛
 ۹. مقررات زدایی از نظام بانکی در ارتباط با کمک‌های مالی به فقرا شهری؛
 ۱۰. شناسایی خانوارهای بشدت فقیر و حمایت فوری از آنان؛
 ۱۱. شناسایی دانش آموزان فقیر و حمایت‌های مادی و معنوی از آنان برای ادامه تحصیل؛
 ۱۲. برخورد فعال نهادها و سازمان‌های رسمی در مواجهه با پدیده فقر شهری در مواردی مانند شناسایی نیازمندان و نوع نیازهای آنان و تمرکز بر توانمندسازی آنان بجای صرفاً توزیع بسته‌های معیشتی. همچنین استفاده از تجارب جهانی در برنامه‌های فقرزدایی.
- تعارض منافع: تعارض منافع نداریم.

سپاسگزاری: از تمام کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

ORCID

Abdolrasoul Hashemi

 <http://orcid.org/0000-0003-3184-3417>

Mostafa Azkia

 <http://orcid.org/0000-0002-6217-3324>

Seyed Yaghoub Mousavi

 <http://orcid.org/0000-0002-4088-1784>

منابع

- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۴). «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز»، *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، دوره ۱۹، شماره ۲: ۹۹-۱۱۸.
- ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید و پارتازیان، کامبیز. (۱۳۹۶). *روش‌های پژوهشی کیفی از نظریه تا عمل*، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- استراوس، انسلم و کرین، جولیت. (۱۳۹۸). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- اسماعیلی، رضا و امیدی، مهدی. (۱۳۹۱). «بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از حاشیه‌نشینی (یک مطالعه پدیدارشناسی)» *نشریه مطالعات شهری*، سال دوم، شماره سوم: ۱۷۹-۲۰۸.
- بختیاری، صادق و خوب‌خواهی، خجسته. (۱۳۹۰). «اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵)»، *جستارهای اقتصادی*، سال ۸، شماره ۱۵: ۱۱۷-۱۳۸.
- پروین، ستار و درویشی فر، علی‌اصغر. (۱۳۹۴). «خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرندی)» *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۳: ۵۱-۸۹.
- پروین، ستار؛ مرادی، علیرضا؛ دنیایی، ام‌کلثوم و داودی، مریم. (۱۳۹۷). «مهاجرت و زباله‌گردی به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری»، *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره ۴، شماره ۱: ۱۹۹-۲۲۸.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۶). «آلونک نشینی در تهران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، اسفند ۱۳۶۶، شماره ۱۷: ۴۶-۴۷.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۶). «تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۲۷-۴۷.
- تودارو، مایکل. (۱۳۷۰). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ اول.
- جلالیان، حمید و محمدی یگانه، بهروز. (۱۳۸۶). «تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان زنجان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۱: ۸۹-۹۹.

- جواهری پور، مهرداد. (۱۳۹۴)، «محلله‌های فرودست شهری و حق به شهر مورد پژوهی محله خاک سفید شهر تهران»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲: ۱۶۳-۱۸۲.
- خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۷) مصاحبه نادر محمد زاده، مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران، به نشانی: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/03/21/1747516/16>
- حمیدیان، اکرم. (۱۳۹۴)، تبیین پدیده طرد اجتماعی در بین گروه‌های مهاجر شهر اصفهان با تأکید بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- دوستو، هرناندو (۱۳۸۶)، راز سرمایه (چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهایی دیگر شکست می‌خورد)، ترجمه: فریدون تفضلی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- زارع، بیژن. (۱۳۸۹)، تحولات جمعیتی شهر تهران در یک‌صد سال اخیر، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران: موسسه نشر شهر.
- زاهدی، محمدجواد؛ دانش، پروانه؛ راد، فیروز و مجرب قوشچی، رضا. (۱۳۹۶)، «طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری (مطالعه موردی زنان فقیر شهری تحت عنوان پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان ارومیه)»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۳: ۲۹۱-۳۱۰.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران (۱۳۹۸) گزارش ویژه وضعیت حاشیه‌نشینی در استان تهران، به نشانی: <https://www.thmporg.ir/news/2772>
- شالچی، سمیه و قلی‌پور، صفیه. (۱۳۹۷)، «طرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی، (محله اسلام آباد تهران)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم، شماره ۲۷: ۱-۳۱.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا. (۱۳۸۹)، «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطروودیت اجتماعی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۳۶-۶۶.
- فتحی، الهام. (۱۳۹۷)، «روند تحولات جمعیت شهر تهران از گذشته تا آینده»، دو ماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار، سال ۶، شماره ۱: ۳۲-۳۵.
- فلاح صفوی، محمد. (۱۳۸۴)، اتنوگرافی شهری با تکیه بر فرهنگ فقر، مطالعه موردی محله هادی آباد شهر قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: پایان هزاره، ترجمه: احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو، چاپ ششم.
- گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف. (۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم)

- ترجمه: پرویز کریمی ناصری، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران، چاپ اول.
- صادقی، رسول. (۱۴۰۱)، تحولات جمعیتی شهر تهران در یک قرن اخیر: فرصت‌ها و چالش‌ها، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، به نشانی <https://rpc.tehran.ir>
- صادقی، علیرضا. (۱۳۹۵)، زندگی روزمره تهیدستان شهری، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- صادقی، رسول و زنجری، نسیم. (۱۳۹۶)، «الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶: ۱۴۹-۱۸۴.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸)، گزارش تحلیلی: بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹) درگاه ملی آمار، نشانی: <https://www.amar.org.ir>
- موحد، علی و ولی نوری، سامان. (۱۳۹۶)، «تحلیل پویایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران ۱۳۹۰-۱۳۷۵»، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۵۵: ۳۷-۵۰.
- ناریان، دیبا؛ چمبرز، رابرت؛ شاه، میراک و پتیش، پتی. (۱۳۹۰)، صدای فقرا، فریاد برای تغییر (پیامدهای توسعه)، ترجمه: مصطفی ازکیا و جمال رحمتی پور، تهران: شرکت انتشارات کیهان، چاپ اول.
- نقدی، اسدالله. (۱۳۹۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری، انسان و شهر، همدان: انتشارات فن‌آوران.

- Alcock, Pete. (1997). Understanding poverty. London: Macmillan.
- Amis, Philip. (1995). "Making Sense of Urban Poverty", *Environment and Urbanization*, 7(1), 145-158.
- Bray R. et al. (2019). *The Hidden Dimensions of Poverty*, Montreuil, Fourth World Publications, ISBN: 979-10-91178-76-1
- Chamber, R. (1989). "Vulnerability, Coping and Policy"
<https://bulletin.ids.ac.uk/index.php/idsbo/issue/view/138>
- European Commission. (2018). *Urban Poverty Partnership Final Action Plan*, https://ec.europa.eu/futurium/en/system/files/ged/action_plan_urban_poverty.pdf

- Giddens Anthony. (2007). *Social Justice and Social Divisions*, Crusky, B, David (2008) *Social Stratification, Class, Race and Gender in Sociological Perspective*, USA, West view Press.
- Iceland, John. (2007). "Poverty," in: *George Ritzer (ed)*, Blackwell Encyclopedia of Sociology. Blackwell Reference Online. [http:// www.blackwellreference.com](http://www.blackwellreference.com). support. mah. se/subscriber/tocnode?id=g9781405124331_chunk_g9781_40512433122_ss1-86. Accessed 18 July 2008.
- Nowosielski, Michal. (2012). "Challenging Urban Exclusion? Theory and Practice". *Polish Sociological Review*, 179 (3), 369-383. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-69631-5>.
- Park, Robert. (1928). "Human Migration and the Marginal Man," *American Journal of Sociology*, 33: (6) 881-893.
- Paugam, Serge. (1996). "The Spiral of Precariousness: a Multidimensional Approach to the Process of Social Disqualification in France," in: Graham Room (ed.), *Beyond the Threshold: the Measurement and Analysis of Social Exclusion*. Bath: Policy Press, pp. 47-79.
- Sen, Amartya. (2000). *Social Exclusion: Concept, Application, and Security*, Office of Environment and Social Development Asian Development Bank, June 2000.
- Silver, Hilary. (2007). "Social Exclusion," in: *George Ritzer (ed)*, Blackwell Encyclopedia of Sociology. Blackwell Reference Online.
- <http://www.blackwellreference.com>. support. mah. se/ subscriber/tocnode?id=g978140_5124331_ chunk_g978140_512433125_ss1-150. Accessed 18 July 2008.
- Wilson, William Julius. (1987). *The Truly Disadvantaged: The Inner City, the Underclass, and Public Policy*. Chicago: University of Chicago Press.
- Wratten, Ellen. (1995), "Conceptualizing urban poverty", *Sage Journalsblog*: [https:// doi.org/10.1177/095624789500700118](https://doi.org/10.1177/095624789500700118).
- Wolf, Jennifer Price. MPH, MSW (2007), Sociological Theories of Poverty in Urban America, *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 16:1-2, 41-56, DOI:10.1300/ J137 v16n01_04.
- World Bank (2020). <https://www.worldbank.org/en/topic/urban-development/overview>.

استناد به این مقاله: هاشمی، عبدالرسول؛ از کیا، مصطفی و موسوی، سید یعقوب. (۱۴۰۲). فقر شهری به مثابه طرد اجتماعی از بازار کار: راهبردها و پیامدها مطالعه موردی: مهاجران فقیر روستایی شهر تهران. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۷)، ۱-۵۰.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.